

بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران)

مقاله ۳، دوره ۱۰، شماره ۳۵، تابستان ۱۳۹۵، صفحه ۴۵-۷۴

نوع مقاله: علمی پژوهشی

نویسندگان

[محمدرضا عباس زاده](#) ^[۱]؛ [مرتضی فدایی](#) ^[۲]؛ [محسن مفتونیان](#) ^[۳]؛ [مأنده بابایی کلاریجانی](#) ^[۴]

^۱دانشیار حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد- مشهد، ایران

^۲کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران.

^۳کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران

^۴کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی ارتباط میان شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در ۸۲ شرکت فعال بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ است. پرسش اصلی این است که سطح مالکیت نهادی چگونه رابطه شفافیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند؟ با استفاده از الگوی رگرسیون فازی وجود رابطه معکوس و معنادار بین شفافیت گزارشگری مالی (معیار کیفیت افشاء و شفافیت سود) و اجتناب مالیاتی (معیارهای نرخ مؤثر هزینه مالیات و تفاوت دفتری مالیات) در این شرکت‌ها در دوره مورد بررسی تأیید شده است. شرکت‌های با مالکیت نهادی پایین نسبت به شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا رابطه قوی‌تر بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهند. بدین معنا که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد، در صورتی که تأثیر سطح مالکیت نهادی بر رابطه میان شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی برخلاف انتظار و معکوس بوده است.

کلیدواژه‌ها

[شفافیت گزارشگری مالی](#)؛ [مالکیت نهادی](#)؛ [اجتناب مالیاتی](#)؛ [رگرسیون فازی](#). طبقه بندی [JEL : M41](#)؛ [H20](#)؛ [C33](#)؛ [C65](#)

اصل مقاله

بررسی ارتباط شفافیت مالی و اجتناب مالیاتی با توجه به مالکیت نهادی شرکت‌ها (مطالعه موردی شرکت‌های بورس اوراق بهادار تهران)

تاریخ دریافت: ۱۳۹۵/۱/۲۱

تاریخ پذیرش: ۱۳۹۵/۳/۲۴

مرتضی فدانی [۲]

محسن مفتونیان [۳]

مانده بابایی کلاریجانی [۴]

چکیده

هدف پژوهش حاضر شناسایی ارتباط میان شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در ۸۲ شرکت فعال بورس اوراق بهادار تهران در دوره ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ است. پرسش اصلی این است که سطح مالکیت نهادی چگونه رابطه شفافیت مالیاتی و اجتناب مالیاتی را تعدیل می‌کند؟ با استفاده از الگوی رگرسیون فازی وجود رابطه معکوس و معنادار بین شفافیت گزارشگری مالی (معیار کیفیت افشاء و شفافیت سود) و اجتناب مالیاتی (معیارهای نرخ مؤثر هزینه مالیات و تفاوت دفتری مالیات) در این شرکت‌ها در دوره مورد بررسی تأیید شده است. شرکت‌های با مالکیت نهادی پایین نسبت به شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا رابطه قوی‌تر بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهند. بدین معنا که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارشگری مالی شرکت را کاهش می‌دهد، در صورتی که تأثیر سطح مالکیت نهادی بر رابطه میان شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی برخلاف انتظار و معکوس بوده است.

واژه‌های کلیدی: شفافیت گزارشگری مالی، مالکیت نهادی، اجتناب مالیاتی، رگرسیون فازی.

طبقه بندی JEL : C65، C33، H20، M41

۱- مقدمه

وجود مالیات بر درآمد، باعث کاهش عایدات واحد تجاری می‌شود. یکی از اقدامات اساسی در جهت حداکثر ساختن ارزش شرکت و ثروت سهامداران استفاده از راهکارهایی است که از طریق آن، مالیات پرداختنی کاهش یابد. در ادبیات مالی تلاش قانونی شرکت‌ها به منظور کاهش هزینه مالیات را به نام‌هایی از قبیل مدیریت مالیات، اجتناب از پرداخت مالیات و رویه مالیاتی جسورانه می‌شناسند (دسای و دارماپالا [i]، ۲۰۰۹). اجتناب مالیاتی به عنوان راهکار کاهش میزان مالیات تعلق گرفته به سود حاصل از عملکرد واحدهای تجاری، زنجیره‌ایی از فعالیت‌ها و برنامه‌های استراتژیک کاملاً قانونی و پیش‌رونده در اخذ معافیت مالیاتی است که منجر به وجود آمدن فضای خاکستری در ارائه اطلاعات و گزارش‌های مالی و مالیاتی به افراد برون سازمانی می‌گردد (هانلون و هیتزمن [ii]، ۲۰۱۰)؛ در نتیجه اجتناب از پرداخت مالیات، در حال تبدیل شدن به نگرانی اصلی دولت‌هاست.

مقوله شفافیت گزارشگری مالی و اهمیتی که در سال‌های اخیر نمود بیشتری پیدا کرده است، بدنبال وقایع ناگوار و بحران‌های به وجود آمده در بورس‌های جهان و به ویژه سپتامبر سیاه ۱۹۹۷ و سپس حادثه یازدهم سپتامبر ۲۰۰۰، افشای ماجرای ورلداکام [iii]، انرون [iv]، زیراکس [v] و سپس پارامالت [vi] در سطح جهان و سقوط شاخص‌های بورس تهران در سال ۱۳۸۳، باعث گردید موضوع شفافیت صورت‌های مالی به عنوان یک پدیده مورد لزوم و ضروری در بازار سهام، اهمیتی بیشتری را به خود اختصاص دهد (عرب مازار و همکاران، ۱۳۹۰). اصطلاح شفافیت در گسترده‌ترین مفهوم خود به معنای ارائه اطلاعات است. منظور همان انتشار اطلاعات مالی و غیرمالی و اثرگذار یک شرکت در گزارش‌های مالی و

غیر مالی است (هندریکسن و فن بردا [vii]، ۱۹۹۲). اطلاعات شفاف را می‌توان به عنوان یکی از ابزار های ایفای مسئولیت پاسخگویی مدیران دانست. هر قدر توزیع اطلاعات در جوامع بیشتر باشد، امکان تصمیم‌گیری آگاهانه و پاسخگویی بخش خصوصی و دولتی در مورد چگونگی تحصیل و مصرف منابع بیشتر و امکان رشد فساد نیز کاهش می‌یابد (واناث و کفن [viii]، ۱۹۹۹). از سوی دیگر، به همان اندازه نیز شرکت‌ها در ایفای مسئولیت پاسخگویی خود نسبت به ذینفعان موفق عمل خواهند نمود و در نتیجه، ارائه اطلاعات شفاف موجب محاسبه دقیق و صحیح مالیات حقه دولت خواهد شد (نوبخت، ۱۳۸۵). از نظر داموداران [ix] (۲۰۰۲) یکی از مهمترین دلایل کاهش انگیزه شرکت‌ها برای افشاء اطلاعات در کنار دلایلی چون کنترل و تقلب، مزایای مالیاتی این واقعیت است که ساختار مالکیت در شرکت‌های بورسی تا چه میزان عمده یا پراکنده هستند. به همین دلیل انسجام و عدم انسجام هیئت مدیره که نتیجه ساختار مالکیت است نیز در کنار وجود اطلاعات مالی بهنگام، دقیق و صحیح حایز اهمیت و نزد سرمایه‌گذاران در بورس مورد توجه است (سینایی و همکاران، ۱۳۸۸). در زمان وجود تضاد منافع، فعالیت‌های نظارتی خارجی یا بیرونی، به عنوان عنصر کنترلی مهمی قلمداد می‌شود. سهامداران نهادی یک گروه از نظارت‌کنندگان خارجی به شمار می‌روند. شیلفر و ویشنی [x] (۱۹۸۶) ادعا می‌کنند که سرمایه‌گذاران نهادی نقش مهمی در فرآیند نظارت و نظام‌دهی به فعالیت مدیران ایفا می‌کنند. سهامداران نهادی با توجه به برخورداری از دانش و تخصص کافی، دسترسی به شبکه‌های ارتباطی مؤثر، اختیار سهام عمده و حق رأی ناشی از آن، مدیران را مجبور می‌کنند تا بر عملکرد اقتصادی تمرکز و از رفتارهای مغایر با منافع شرکت اجتناب کنند. افزون بر این سرمایه‌گذاران نهادی بخاطر مسئولیت امانتداری که بر عهده دارند، از انگیزه مضاعفی در راستای اطمینان از این که تصمیمات اتخاذ شده منجر به حداکثر سازی ثروت سهامداران می‌شود، برخوردار هستند (بوشی [xi]، ۲۰۰۱). در یک ارتباط دو سویه از آن جا که سیستم مالیاتی بهترین راه شفافیت درآمدی است، آمار و تصویر ایجاد شده در یک نظام مالیاتی کارآمد و عادلانه می‌تواند خود یک کنترل‌کننده نرم افزاری و علمی جهت ارتقاء سطح کارآمدی اقتصاد و شفافیت اطلاعات منتشر شده در حوزه‌های مختلف اقتصادی هر کشور باشد. از این دیدگاه به نظر می‌رسد، سیاست‌های مالیاتی مناسب منجر به بهبود شفافیت گزارشگری مالی می‌شود و نیز شفافیت مناسب گزارشگری مالی به محاسبه دقیق مالیات، کاهش عدم تقارن اطلاعاتی بین مدیران و مالکان (قائمی و همکاران، ۱۳۹۱) و پاسخگویی و تصمیم‌گیری های اقتصادی آگاهانه بیانجامد (همت فر و همکاران، ۱۳۹۲).

براین اساس، وجود شفافیت در فعالیت‌های واحد اقتصادی، درک سرمایه‌گذاران را از فعالیت‌های مدیریت افزایش داده و عدم تقارن اطلاعاتی ناشی از اجرای برنامه‌های اجتناب مالیاتی را تعدیل و نگرانی مالکان را از هزینه‌های پنهان اجتناب مالیاتی تقلیل می‌دهد (مک نیکولز و استوبن [xii]، ۲۰۰۸)، چرا که ارائه اطلاعات شفاف و اثرگذار از طرف واحدهای اقتصادی، امکان برآورد دقیق و صحیح سود واحد تجاری توسط تحلیل‌گران مالی را فراهم و باعث کاهش مدیریت سود توسط افراد درون سازمانی می‌شود (آتوود و همکاران [xiii]، ۲۰۱۰).

در این پژوهش به دو مسئله پرداخته می‌شود: اولین پرسش کلیدی این است که آیا شفافیت گزارشگری مالی با اجتناب مالیاتی رابطه معناداری دارد. دوم این که آیا سطح مالکیت نهادی بر این رابطه تأثیرگذار است؟ برای این منظور ابتدا مفهوم و مبانی نظری اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی مطرح می‌شود. سپس فرضیه‌های تحقیق ارائه می‌گردد. ضمن تشریح نحوه گردآوری و اندازه‌گیری متغیرها، فرضیه‌های تحقیق بررسی و براساس تجزیه و تحلیل داده‌ها، نتایج حاصل از تحقیق بیان و پیشنهادها لازم ارائه می‌گردد.

۲- مبانی نظری و پیشینه تحقیق

۲-۱- اجتناب مالیاتی

مبانی نظری و شواهد تجربی نشان می‌دهند شرکت‌ها سعی در کاهش و به تعویق انداختن مالیات بر درآمد خود دارند. اجتناب مالیاتی، فرار مالیاتی، مدیریت سود، محافظه‌کاری ابزارهایی هستند که شرکت‌ها در صورت لزوم بسته به شرایط از آن‌ها استفاده می‌کنند. در ادبیات حسابداری، مفهوم اجتناب مالیاتی از دو بعد گسترده و محدود تعریف شده است. در بعد گسترده اجتناب مالیاتی را کاهش مالیات هر دلار از سود قبل از مالیات تعریف شده و در برگیرنده تمامی معاملاتی است که بر بدهی مالیاتی اثر می‌گذارد (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰). در این روش بین فعالیت‌های واقعی با مطلوبیت مالیاتی،

فعالیت‌های اجتنابی که به منظور کاهش مالیات انجام می‌شود و لابی‌هایی که برای کسب مزایای مالیاتی انجام می‌گیرد، تفاوتی وجود ندارد. در بعد محدود، تمایز مفهومی بین فرار مالیاتی و اجتناب مالیاتی ریشه در قانونی بودن اقدامات مؤدیان دارد. فرار مالیاتی نوعی تخطی از قانون است، زمانی که مؤدی از گزارش درآمد مشمول مالیات مربوط به کار یا سرمایه خود امتناع می‌نماید، دست به یک اقدام غیرقانونی می‌زند. شایع‌ترین دلایل فرار مالیاتی عبارتند از (۱) عدم گسترش فرهنگ مالیاتی در جامعه، (۲) مبادله نکردن کامل اطلاعات و نبودن نظام نظارت و پیگیری در اخذ مالیات، (۳) تشخیص علی‌الرأس و ضعف در اجرای آن، (۴) فقدان الزامات قانونی یا ضعیف بودن ضمانت‌های اجرایی، (۵) عدم ظهور نمودهای پرداخت مالیات در جامعه، (۶) نشناختن مؤدیان و مستند نبودن میزان درآمدهای آن‌ها به خصوص در بخش مالیات مشاغل و (۷) وجود معافیت‌های وسیع، متنوع و نابرابر؛ در مقابل اجتناب مالیاتی در چارچوب قوانین مالیاتی انجام می‌شود. از جمله تفاوت دیگر را می‌توان به واکنش و بازتاب افشاء عمل اشاره کرد. در اجتناب مالیاتی فرد دلیلی برای نگرانی بابت کشف احتمالی اقدامات خویش ندارد، ولی در فرار مالیاتی عمل فرد می‌تواند وی را در معرض برخورد قانونی از جانب مراجع قانونی قرار دهد. در این پژوهش، تعریف محدود اجتناب مالیاتی مدنظر قرار دارد و اقدامات قانونی صورت پذیرفته سوء استفاده‌های رسمی از قانون و مقررات در جهت کاهش تعهدات مالیاتی در زمره فعالیت‌های اجتناب مالیاتی تلقی می‌شود. بسیاری از پژوهش‌ها در پاسخ به این سؤال انجام شده است که چرا بعضی از شرکت‌ها بیش از بقیه از پرداخت مالیات اجتناب می‌کنند؟

به طور کلی دو دیدگاه پیرامون تحقیقات تجربی در مورد فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات وجود دارد: دیدگاه نخست این است که مدیران با هدف کاهش تعهدات مالی شرکت و صرفه‌جویی وجه نقد، فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات را انجام می‌دهند. بنابراین، از منظر سرمایه‌گذاران، اجتناب از پرداخت مالیات افزایش‌دهنده ارزش شرکت است و مدیران برای به کار بستن چنین فعالیت‌هایی باید تشویق شده و پاداش بگیرند. دیدگاه دوم نیز به نظر می‌رسد در مورد شرکت‌های با جدایی مالکیت مطرح باشد؛ زیرا افراد حقیقی به خاطر وجود احتمال کشف، جریمه شدن، ریسک‌گریزی و یا انگیزه‌های درونی مثل وظیفه اجتماعی، کمتر درگیر فرار و اجتناب مالیاتی می‌شوند (الینگهام و همکاران [xiv]، ۱۹۷۲). در شرکت‌ها به طور معمول، سهامداران انتظار دارند که مدیران به دنبال منافع شخصی خود باشند و تا مادامی که منافع اضافی حاصل از کاهش بدهی‌های احتمالی بیشتر از هزینه‌های اضافی مورد انتظار برای آن‌ها باشد، به دنبال کاهش بدهی‌های مالیاتی و اجتناب مالیاتی باشند؛ بنابراین، اجتناب مالیاتی می‌تواند انعکاسی از نظریه مسئله نمایندگی باشد و ممکن است منجر به تصمیمات مالیاتی شود که منافع شخصی مدیر را دنبال کند؛ از این رو، یکی از چالش‌های پیش روی سهامداران و هیأت مدیره، یافتن روش‌ها و انگیزه‌های کنترلی است تا هزینه‌های نمایندگی را به حداقل برسانند (جنسن و مک‌لین [xv]، ۱۹۷۶). دسای و همکاران (۲۰۰۷) معتقدند مدیرانی که به دنبال منافع شخصی خود هستند، ساختار شرکت را پیچیده‌تر کرده و معاملاتی را که باعث کاهش مالیات می‌شود، انجام و به این شیوه منابع شرکت را در جهت منافع شخصی خود به کار می‌گیرند. آن‌ها معتقدند که وجود مأموران مالیاتی قوی، باعث افزایش نظارت بر کار مدیران و کاهش سوء استفاده از منابع داخلی شرکت‌ها می‌شود. همچنین حاکمیت شرکتی ضعیف باعث افزایش در سطح اجتناب مالیاتی می‌شود. ترکیب سهامداران شرکت‌های مختلف متفاوت است. بخشی از مالکیت شرکت‌ها در اختیار سهامداران جزء و اشخاص حقیقی قرار دارد. این گروه برای نظارت بر عملکرد مدیران عمدتاً به اطلاعات در دسترس عموم، مانند صورت‌های مالی منتشره اتکاء می‌کنند. این در حالی است که بخش دیگری از مالکیت شرکت‌ها، در اختیار سهامداران حرفه‌ای عمده قرار دارد که بر خلاف گروه سهامداران نوع اول، اطلاعات داخلی با ارزش درباره چشم اندازهای آتی و راهبردهای تجاری شرکت از طریق ارتباط مستقیم با مدیران شرکت در اختیار آنها قرار می‌گیرد (نوروش و همکاران، ۱۳۸۴). گراهام و توکر [xvi] (۲۰۰۶) معتقدند از منظر مالکیت نهادی، و از منظر نمایندگی که بر ارتباط بین حاکمیت شرکتی و فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات تأکید می‌کند، چنین فعالیت‌هایی، منافع نهایی سپر مالیاتی [xvii] بهره را کاهش می‌دهد و بر روی تصمیمات مربوط به ساختار سرمایه تأثیرگذار است. بنابراین، انحراف منافع برای مدیران کم هزینه‌تر می‌شود. از سوی دیگر، اگر اجتناب مالیاتی توسط مقامات مالیاتی تشخیص داده شود، شرکت مجبور به پرداخت های اضافی و جریمه می‌شود که باعث کاهش جریان‌های نقدی ورودی و کاهش ثروت سهامداران می‌شود. دیدگاه دیگری که در مورد اجتناب مالیاتی مطرح شد این که علی‌رغم تفکیک کنترل از مالکیت، پدیده اجتناب مالیاتی می‌تواند ارزشمند باشد. اگر مالکان بتوانند زمینه‌های انگیزشی لازم را در مدیران ایجاد کنند تا آن‌ها با برنامه ریزی‌های مالیاتی صحیح، تصمیمات اثربخش مالیاتی اتخاذ کنند، ارزش شرکت افزایش و در نتیجه ثروت سهامداران افزایش خواهد یافت (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰).

۲-۲- شفافیت گزارشگری مالی

برنامه ریزی‌های اجتناب از پرداخت مالیات، صرفه جویی مالیاتی برای شرکت به ارمغان می‌آورد. با این حال، به‌طور همزمان پیچیدگی مالی و سازمانی شرکت را افزایش می‌دهد و به حدی می‌رسد که نمی‌توان با بخش‌های خارج از شرکت (مانند سرمایه‌گذاران، بستانکاران و تحلیلگران) به درستی ارتباط برقرار کرد و بدین صورت مشکلات شفافیت گزارشگری مالی افزایش می‌یابد (بالاکریشن و همکاران [xviii]، ۲۰۱۱). شفافیت اطلاعاتی، شاخص عملکرد مدیریت در ارائه اطلاعات ضروری به شکل صحیح، روشن، به موقع و قابل دسترسی است. این شاخص منعکس‌کننده این است که آیا سرمایه‌گذاران تصویری واقعی از آنچه در داخل شرکت روی می‌دهد، دارند یا خیر؟ با وجود این که واژه شفافیت در سیستم‌های افشای اطلاعات مالی و نیز در استانداردهای حسابداری کاربرد فراوانی دارد، ولی در رابطه با این واژه تعریف مشترکی که همگان در مورد آن اتفاق نظر داشته باشند، وجود ندارد. به عنوان نمونه بوشمن و همکاران [xix] (۲۰۰۱) شفافیت اطلاعات مالی را توان دسترسی گسترده به اطلاعات مربوط و قابل اتکاء در مورد عملکرد مالی، وضعیت مالی، فرصت‌های سرمایه‌گذاری، نظام راهبری شرکت‌ها، ارزش و ریسک شرکت‌های سهامی عام تعریف می‌نمایند. آکسا [xx] (۲۰۰۶) به دنبال تعریف P&S [xxi]، شفافیت را به موقع بودن و کفایت افشای کارکردهای مالی و عملیاتی شرکت می‌داند. از نظر براون و همکاران [xxii] (۲۰۰۹) بهترین تعریف شفافیت در حوزه تجاری عبارت از صورت‌های مالی با کیفیت است. همچنین نیلسن و همکاران [xxiii] (۲۰۰۹) درباره شفافیت بر این باورند که استفاده‌کننده اطلاعات در هر زمانی به همه چیز واقف است و او براساس اطلاعات شفاف می‌تواند هر موضوعی را مورد بررسی قرار دهد.

وجود شفافیت از یک سو به سهامداران خرد اطمینان می‌دهد که همواره اطلاعات قابل اتکاء و به موقع در خصوص ارزش شرکت را دریافت خواهند کرد و سهامداران عمده و مدیران در پی تضییع حقوق آن‌ها نیستند و از سوی دیگر مدیران برای تلاش در جهت افزایش ارزش شرکت، به جای پیگیری منافع کوتاه مدت شخصی ترغیب می‌شوند. در نتیجه می‌توان از میزان و شدت رسوایی‌های مالی به میزان قابل توجهی بکاھد (نوبخت، ۱۳۸۵). صورت‌های مالی با شفافیت کم مجموعه‌ای از هزینه‌ها را بر شرکت تحمیل می‌کند که شامل بالا رفتن هزینه تامین سرمایه از طریق سهام و بدهی، تشدید مشکلات حاکمیتی و کاهش بهره‌وری سرمایه‌گذاری است (بیدل و هیلاری [xxiv]، ۲۰۰۶). در تلاش‌های اخیر برای اندازه‌گیری شفافیت از معیارهایی مانند بحران مالی یا هموارسازی سود استفاده شده است (لاندر [xxv]، ۲۰۰۸). در هر صورت شفافیت و افشای کامل و صادقانه اطلاعات عاملی کلیدی در کارکرد مطلوب یک بازار کارای سرمایه می‌باشند (حساس یگانه و همکاران، ۱۳۸۵).

۳- پیشینه پژوهش

اجتناب مالیاتی یکی از مباحث مهمی است که در زمینه مالیات مطرح است؛ از این رو پژوهشگران زیادی رابطه بین اجتناب مالیاتی و عوامل مختلف را مورد بررسی قرار دادند. تحقیقات قبلی به بررسی رابطه بین اجتناب مالیاتی و مالکیت نهادی پرداختند. خورآنا و موسر [xxvi] (۲۰۰۹) در بررسی رابطه اجتناب مالیاتی با سهامداران نهادی نشان دادند که مالکیت نهادی بر پوشش مالیاتی تأثیر معناداری دارد. در شرکت‌هایی با افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، بدلیل این‌که می‌خواهند در کوتاه‌مدت مالیات بیشتری ذخیره شود تا سود و ارزش سهام خود را افزایش دهند، پنهان‌کاری مالیاتی بیشتر است، اما اگر افق سرمایه‌گذاری بلندمدت باشد، شدت رابطه مالکیت نهادی با پوشش مالیاتی تعدیل می‌گردد.

جوی [xxvii] (۲۰۱۲) تأثیر مالکیت نهادی بر جسورانه بودن مالیات را بررسی کرد. نتایج پژوهش او نشان داد که شرکت‌های با سطح بالاتر مالکیت نهادی دارای افق سرمایه‌گذاری کوتاه‌مدت، به احتمال بیشتری برنامه‌ریزی جسورانه را به کار می‌برند همچنین، بررسی بیشتر نتایج نشان داد که بین مالکیت نهادی و نرخ موثر مالیاتی رابطه منفی وجود دارد. پور حیدری و همکاران (۱۳۹۳) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه سهام عادی، با لحاظ فرصت‌های رشد و مالکیت نهادی طی بازه زمانی ۱۳۸۰ تا ۱۳۸۹ پرداختند. یافته‌های پژوهش نشان داد اجتناب از پرداخت مالیات باعث کاهش هزینه سرمایه می‌شود. همچنین فرصت رشد و مالکیت نهادی تأثیر معناداری بر رابطه بین اجتناب از پرداخت مالیات و هزینه سرمایه ندارد.

بسیاری از مطالعات اخیر نشان دادند که استراتژی‌های مؤثر جهت اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم محدود کردن جریان روان اطلاعات شرکت به بازار سرمایه و سایر مراجع است. در این زمینه می‌توان به مطالعه کیم و ژانگ [xxviii] (۲۰۱۱) اشاره کرد که در مطالعه خود با عنوان "اجتناب مالیاتی شرکت و خطر سقوط سهام" به این نتیجه رسیدند در شرکت‌هایی که اجتناب مالیاتی داشتند، احتمال سقوط قیمت سهام بالاتر است. یو و همکاران [xxix] (۲۰۱۳) با استفاده از معکوس معیار محافظه کاری طراحی شده توسط خان و واتز [xxx] (۲۰۰۹) به عنوان جانشینی برای گزارشگری مالی متهورانه، به شواهدی دست یافتند که نشان داد بین گزارشگری متهورانه و آگاهی بخشی قیمت سهام رابطه منفی و معنادار وجود دارد.

مرادی و همکاران (۱۳۹۵) در بررسی ارتباط بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام براساس داده های ۷۰ شرکت بورسی ایران طی سال‌های ۱۳۸۳ الی ۱۳۹۰، رابطه مثبت گریز مالیاتی با ریسک سقوط قیمت سهام و عدم تأیید رابطه مالکیت نهادی و مدیران غیر موظف بر رابطه بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام را دریافتند.

انگیزه‌های مدیریتی از جمله مواردی است که رابطه آن با اجتناب مالیاتی مورد بررسی قرار گرفت. آرمسترانگ و همکاران [xxxi] (۲۰۱۰) در پژوهش خود به این نتیجه رسیدند بین طرح‌های تشویقی مدیران مالیاتی با نرخ مؤثر مالیاتی محاسبه شده براساس استانداردهای حسابداری رابطه منفی و معناداری وجود دارد. همچنین آنان در پژوهشی دیگر در سال ۲۰۱۵ با عنوان "حاکمیت شرکتی، انگیزه های مدیریت و اجتناب مالیاتی" با استفاده از رگرسیون چندمتغیره به وجود رابطه مثبت بین استقلال هیئت مدیره و پیچیدگی‌های مالی برای سطوح پایین اجتناب مالیاتی و رابطه منفی برای سطوح بالاتر دست یافتند.

تحقیق برتشر و همکاران [xxxii] (۲۰۱۳)، در زمینه اجتناب مالیاتی و حاکمیت شرکتی نشان می‌دهد که جدایی مالکیت و کنترل، برنامه‌ریزی مالیاتی شرکت‌های خصوصی دارای ساختار مالکیت متفاوت را تحت تأثیر قرار می‌دهد. آن‌ها دریافتند شرکت‌هایی که بیشتر بر مالکیت و کنترل تمرکز دارند، اجتناب مالیاتی کمتری دارند و هزینه‌های ضمنی اجتناب مالیاتی و جدایی مالکیت و کنترل، برنامه‌ریزی شرکت‌های خصوصی را تحت تأثیر قرار می‌دهد. مشابهی و همکاران (۱۳۹۴) در پژوهش خود به بررسی برخی از معیارهای مهم راهبری شرکتی شامل درصد مالکیت نهادی، استقلال و اندازه هیئت مدیره و اجتناب مالیاتی با نمونه ۱۴۶ شرکت پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی سال‌های ۱۳۸۱ الی ۱۳۹۱ پرداختند. نتیجه بررسی آنان با استفاده از الگوی پنل نامتوازن نشان دهنده عدم رابطه معنادار بین راهبری شرکت و اجتناب مالیاتی است.

اما تحقیقات داخلی اندکی در زمینه اجتناب مالیاتی و رابطه آن شفافیت گزارشگری مالیاتی شرکت وجود داد؛ در این زمینه می‌توان به پژوهش رضایی و همکاران (۱۳۹۱) اشاره کرد. آنان رابطه شفافیت در گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت‌ها را بررسی و نشان دادند که رابطه‌ای معکوس میان اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت در زمانی که معیار سنجش اجتناب مالیاتی نرخ مؤثر مالیات نقدی بلندمدت (LCETR) باشد وجود دارد. در زمانی که اجتناب مالیاتی با نرخ مؤثر مالیات نقدی (CETR) یا اختلاف دائمی مالیات (PBDT) سنجیده شود، رابطه معناداری میان ارزش شرکت و اجتناب مالیاتی وجود ندارد؛ همچنین بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارشگری رابطه معناداری مشاهده نکردند. چهرومی (۱۳۹۱) با بررسی ۳۶۷ شرکت طی بازه زمانی ۱۳۸۷ الی ۱۳۸۹ دریافت رابطه معناداری بین اجتناب مالیاتی و شفافیت شرکت‌ها وجود ندارد، با این حال وقتی وی این رابطه را به وسیله نرخ مؤثر مالیات نقدی سه ساله مورد آزمون قرار داد دریافت که شرکت‌های با شفافیت کمتر، نرخ مؤثر مالیاتی بالاتر و در نتیجه اجتناب مالیاتی کمتری دارند.

چن و همکاران [xxxiii] (۲۰۱۴) در پژوهشی یافتند که اجتناب مالیاتی، هزینه‌های نمایندگی را افزایش و ارزش شرکت را کاهش می‌دهد. شفافیت گزارشگری مالی با اجتناب مالیاتی شرکت تعامل دارد و تعدیل‌کننده رابطه بین اجتناب مالیاتی و ارزش شرکت است. سرمایه‌گذاران در چین نسبت به رفتار اجتناب مالیاتی شرکت واکنش منفی نشان می‌دهند، اما این واکنش منفی می‌تواند با شفافیت اطلاعات کمتر شود.

الیول و همکاران [xxxiv] (۲۰۱۲) به همبستگی منفی میان شفافیت با فشار مالیاتی به ویژه در شرکت‌هایی که کمتر به تأمین مالی خارجی وابسته‌اند رسیدند. گسترش تأمین مالی باعث افزایش اثر مثبت شفافیت بر سرمایه‌گذاری و تشویق شفافیت به وسیله شرکت‌های وابسته به تأمین مالی می‌شود. در نهایت سرمایه‌گذاری و دسترسی به تأمین مالی به طور مثبت با

شفافیت شرکتی به ویژه در شرکت‌هایی که به تأمین مالی خارجی بیشتر وابسته هستند مرتبط و با فشار مالیاتی همبستگی منفی دارد. بالاگریشان و همکاران (۲۰۱۱) در ارتباط بین معیار توسعه یافته از تهاجم مالیاتی و معیارهای عدم قطعیت اطلاعات، عدم تقارن اطلاعاتی و کیفیت سود نشان می‌دهند که برنامه‌ریزی مالیاتی، تهاجمی ابهام محیط اطلاعاتی را بالا برده و مدیران برای کاهش این مشکلات حجم افشاء را افزایش می‌دهند.

عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۹۰) در پژوهشی با عنوان بررسی تأثیر گزارشگری مالیاتی بر شفافیت گزارشگری مالی با تأکید بر موضوع شفافیت گزارشگری مالی، به بررسی ارتباط آن با گزارشگری مالیاتی پرداختند. نتایج پژوهش آنان بیانگر وجود یک رابطه مثبت بین گزارشگری مالیاتی و شفافیت گزارشگری مالی بوده است، به طوری که در صورت تهیه گزارشگری مالیاتی به ضمیمه گزارشگری مالی، شفافیت گزارشگری مالی تا حدود زیادی تأمین خواهد شد.

۴- روش شناسی پژوهش

به منظور حصول اهداف پژوهش، فرضیه‌های زیر طراحی و مورد آزمون قرار گرفت:

- ۱) بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد؛
 - ۲) بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های با مالکیت نهادی زیاد رابطه معناداری وجود دارد؛
 - ۳) بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های با مالکیت نهادی کم رابطه معناداری وجود دارد.
- از آن جا که برای محاسبه شفافیت گزارشگری مالی دو معیار و برای محاسبه اجتناب مالیاتی ۳ معیار لحاظ شده است، پژوهش دارای ۱۸ فرضیه فرعی می‌باشد.

این پژوهش از لحاظ شیوه جمع‌آوری داده‌ها، پژوهشی توصیفی بوده و روش پژوهش از نوع پس‌رویدادی است. چون می‌تواند در فرآیند استفاده از اطلاعات کاربرد داشته باشد، لذا نوع پژوهش کاربردی است. اطلاعات مورد نیاز این پژوهش با استفاده از روش کتابخانه‌ای و از طریق بانک‌های اطلاعاتی سازمان بورس و اوراق بهادار تهران و نرم افزار ره‌آورد نوین گردآوری شده است.

جامعه آماری این پژوهش، تمام شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران طی دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ است، از این جامعه بدون نمونه‌گیری، شرکت‌های حائز شرایط زیر به عنوان نمونه انتخاب شده است:

- ۱) تا پایان اسفندماه ۱۳۸۵ در بورس اوراق بهادار تهران پذیرفته شده باشند.
- ۲) سال مالی آن‌ها منتهی به پایان اسفندماه باشد و در دوره زمانی مورد بررسی تغییری در آن ایجاد نشده باشد.
- ۳) شرکت‌ها طی دوره مورد بررسی، فعالیت مستمر داشته و سهام آن‌ها بدون وقفه با اهمیت مورد معامله قرار گرفته باشد.
- ۴) جز شرکت‌های سرمایه‌گذاری نباشند.
- ۵) اطلاعات مالی مورد نیاز برای این پژوهش را در دوره زمانی ۱۳۸۶ تا ۱۳۹۲ به طور کامل ارائه کرده باشند.

در این پژوهش سعی شده حداکثر بازه زمانی ممکن با توجه به محدودیت در بدست آورده داده‌های مالیاتی در نظر گرفته شود. برای استخراج مالیات قطعی برای بازه پنج ساله، بازه زمانی بین سال‌های ۱۳۸۶-۱۳۹۰ در نظر گرفته شد. در نظر

گرفتن بازه زمانی تا سال ۱۳۹۰ بدین دلیل است که مالیات قطعی هر سال، حداقل دو سال بعد اعلام می‌شود، لذا مالیات قطعی سال ۱۳۹۰ از صورت‌های مالی سال ۱۳۹۲ استخراج شده که این صورت‌ها در تیر ماه ۱۳۹۳ ارائه شده است.

الگو پژوهش

رگرسیون کلاسیک، فرضیاتی را در زمینه توزیع احتمالی خطاها در نظر می‌گیرد. اگر چه مدل رگرسیون خطی کلاسیک کاربردهای بسیار دارد، اما برای ساختن مدل در بعضی مواقع با مشکلاتی از جمله تعداد کم یا نامناسب بودن مشاهدات، مشکلات تعریف تابع توزیع مناسب، ابهام در رابطه بین متغیرهای مستقل و وابسته، ابهام در وقوع یا درجه وقوع رویدادها، بی‌دقتی و خطا مواجه است. برای حل این مسئله می‌توان از روش‌های دیگر از قبیل رگرسیون استوار و رگرسیون خطی فازی استفاده کرد. در رگرسیون خطی با ضرایب فازی، فرض می‌شود که مشاهدات و متغیرها دقیق و ابهام در مدل و ضرایب رگرسیون است (خدایی، ۱۳۸۸).

فرض کنید X یک مجموعه مرجع دلخواه باشد. هر زیر مجموعه معمولی A از X توسط یک تابع از x به مجموعه $\{0, 1\}$ ، به نام تابع نشانگر، تعریف می‌شود که عبارت است از:

(۱)

حال اگر برد تابع نشانگر از مجموعه دو عضوی $\{0, 1\}$ به بازه $[0, 1]$ توسعه داده شود، یک می‌آید که به هر عضو x ، عددی را از بازه $[0, 1]$ نسبت می‌دهد و تابع عضویت مجموعه A نامیده می‌شود و با نماد $\mu_A(x)$ نشان داده می‌شود. در این حالت A تعمیمی از مفهوم مجموعه معمولی است و یک مجموعه فازی از x نامیده می‌شود. بدین ترتیب، یک مجموعه فازی، مجموعه‌ایی است که درجات عضویت اعضای آن پیوسته از بازه $[0, 1]$ اختیار می‌شود.

رگرسیون فازی در حالت کلی به سه نوع تقسیم می‌شود:

الف) رگرسیون فازی در حالتی که روابط بین متغیرها (ضرایب مدل رگرسیونی) فازی فرض شوند؛

ب) رگرسیون فازی در حالتی که مشاهده‌ها در متغیر وابسته و متغیرهای مستقل نادقیق و فازی باشند؛

ج) رگرسیون فازی در حالتی که هم روابط بین متغیرها و هم مشاهده‌ها فازی در نظر گرفته شوند. در این پژوهش از رگرسیون فازی با ورود و خروج داده‌های غیرفازی استفاده خواهیم نمود؛ لذا در ادامه روش تعیین ضرایب و ارزیابی مدل را توضیح خواهیم داد.

۴-۱- تعیین ضرایب فازی

(۲)

در رگرسیون با ضرایب فازی و مشاهده‌های غیرفازی، هدف آن است که ضرایب $i\bar{A}$ ، $1, 2, \dots, m$ به گونه‌ای تعیین شود که اولاً خروجی فازی \tilde{Y} برای تمامی مقادیر $j=1, 2, \dots, m$ ، حداقل دارای درجه عضویتی به بزرگی h باشد:

(۲)

و ثانیاً ابهام یا فازی بودن خروجی مدل در حداقل ممکن باشد.

شرط اول تضمین می‌کند که در مدل نهایی، مقدار عضویت یعنی امین مقدار مشاهده شده متغیر وابسته در برآورد فازی آن توسط مدل، $\tilde{Y}(y_i)$ ، حداقل به اندازه h باشد. مقدار h توسط کاربر انتخاب می‌شود و می‌توان آن را به عنوان سطح اعتبار مدل تعبیر کرد. شرط دوم نیز بیان‌کننده این نکته است که ابهام در مقدار پیش‌بینی متغیر وابسته باید حداقل باشد. از آنجا که بر پایه هر مشاهده، یک خروجی از مدل خواهیم داشت، پس باید مجموع ابهام‌های خروجی‌ها را حداقل کنیم؛ به بیان دیگر باید مقدار زیر حداقل شود:

(۳)

خاطر نشان می‌شود در پژوهش حاضر، آنالیز حساسیت (Sensitivity Analysis) مدل بر پایه مقدار h و با توجه به مقادیر ابهام کل Z و شاخص اطمینان IC انجام شده است. با توجه به رابطه مذکور محدودیت‌های مدل به صورت زیر خواهد بود:

(۴)

(۵)

با توجه به رابطه فوق مشخص می‌شود که برای هر مشاهده دو محدودیت ایجاد می‌شود. پس مسأله یافتن ضرایب فازی مدل، معادل با حداقل سازی تابع هدف Z با توجه به $2m$ محدودیت تولید شده توسط m مشاهده است. بدین ترتیب با یک مسأله برنامه ریزی خطی روبه‌رو هستیم که به روش‌های مختلف از جمله سیمپلکس قابل حل است (محمدی و همکاران، ۱۳۸۴).

با توجه به توضیحات فوق و همچنین تعریف عملیاتی متغیرهای وابسته، مستقل و کنترلی تحقیق، مدل اصلی پژوهش به شکل زیر خواهد بود:

$$\text{TAX AVOID}_{i,t} = \beta_0 + \beta_1 \text{TRANS}_{i,t} + \beta_2 \text{SIZE}_{i,t} + \beta_3 \text{LEV}_{i,t}$$

$$+ \beta_4 \text{ROA}_{i,t} + \beta_5 \text{CINT}_{i,t} + \beta_6 \text{INCINT}_{i,t} + \epsilon_{i,t} \quad (6)$$

که در آن:

$TAX\ AVOID_{i,t}$: اجتناب مالیاتی

$TRANS_{i,t}$: شفافیت گزارشگری مالی

$SIZE_{i,t}$: اندازه شرکت

$LEV_{i,t}$: اهرم مالی

$ROA_{i,t}$: سودآوری

$CINT_{i,t}$: شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت

$INCINT_{i,t}$: شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا

با جایگزین نمودن معیارهای اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر هزینه مالیات، نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات) و معیارهای شفافیت گزارشگری مالی (کیفیت افشاء و شفافیت سود)، مدل‌های حاصل (۶ مدل)، برای کل شرکت‌های نمونه، شرکت‌های با مالکیت نهادی کم و زیاد، با استفاده از رگرسیون فازی برآزش می‌شود.

۴-۲- متغیر وابسته

متغیر وابسته این پژوهش، اجتناب مالیاتی ($TAX\ AVOID_{i,t}$) شرکت هاست. بدین منظور، از سه مقیاس جایگزین برای اندازه‌گیری اجتناب مالیاتی استفاده می‌شود که به شرح زیر است:

(۱) نرخ مؤثر هزینه مالیات $[xxxv](ETR_{i,t})$: از تقسیم هزینه مالیات شرکت i در سال t بر درآمد قبل از مالیات شرکت i در سال t به دست می‌آید (هانلون و همکاران، ۲۰۱۰).

(۲) نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی ($CASH\ ETR_{i,t}$): نسبت مالیات نقدی پرداختی (تأدیه شده) شرکت i در سال t به درآمد قبل از مالیات شرکت i در سال t (چایز و همکاران، ۲۰۱۴).

(۳) تفاوت دفتری مالیات $[xxxvi](BTD_i)$: تفاوت سود حسابداری و سود مشمول مالیات شرکت i در سال t که از طریق تفاوت سود حسابداری (سود قبل از کسر مالیات) و سود مشمول مالیات محاسبه شده است (دسایبی و همکاران، ۲۰۰۶)؛ همچنین به منظور همگن سازی، این متغیر بر ارزش دفتری کل دارایی‌ها تقسیم شد. لازم به ذکر است که سود مشمول مالیات از طریق تقسیم هزینه مالیات شرکت بر نرخ قانونی مالیات که برابر با ۲۲/۵ درصد است، به دست آورد.

۴-۳- متغیر مستقل

شفافیت گزارشگری مالی ($TRANS_i$)، به عنوان متغیر مستقل پژوهش می‌باشد که در این پژوهش برای تعیین آن از دو معیار کیفیت افشاء و شفافیت سود استفاده گردیده است.

(۱) کیفیت افشاء (DISC): برای سنجش این متغیر از امتیازهای متعلق به هر شرکت استفاده می‌شود، این امتیازها از سوی سازمان بورس اوراق بهادار تهران و از طریق اطلاعیه کیفیت افشاء و اطلاع رسانی مناسب، استخراج شده است. این معیار در پژوهش مهرآذین و همکاران (۱۳۹۰)، گلب و پولزاروین [xxxvii] (۲۰۰۲)، لین و همکاران (۲۰۰۷) نیز به کار رفته است.

(۲) شفافیت سود (Earning Transparency): این معیار به تبعیت از بارث و همکاران [xxxviii] (۲۰۱۳) استفاده و مقدار آن برابر است با ضریب تعیین R²، رگرسیون ناشی از بازده سهام بر سود و تغییر در سودآوری (مدل ۷).

$$R_{i,t} = \alpha_0 + \alpha_1 E_{i,t}/P_{i,t-1} + \alpha_2 \Delta E_{i,t}/P_{i,t-1} + \varepsilon_{i,t} \quad (7)$$

در این مدل متغیرها عبارت است از:

$R_{i,t}$: بازده سالانه سهام i در سال t

$E_{i,t}$: سود هر سهم قبل از اقلام غیر عادی شرکت i در سال t

$\Delta E_{i,t}$: تغییر در سود هر سهم قبل از اقلام غیر عادی از سال $t-1$ تا سال t

$P_{i,t-1}$: قیمت سهام در پایان سال $t-1$

۴-۴- متغیرهای کنترل

علاوه بر متغیرهای مستقل، با توجه به مطالعات گذشته سایر عواملی که با اجتناب مالیاتی ارتباط دارند نیز به عنوان متغیر کنترلی وارد مدل شدند.

($SIZE_{i,t}$): بیانگر اندازه شرکت i در سال t می‌باشد که از طریق لگاریتم طبیعی ارزش بازار سهام به دست می‌آید. واتس و زیمرمن (۱۹۸۶) نشان دادند که شرکت‌های بزرگتر بیشتر تحت نظارت دولت قرار می‌گیرند و بیشتر در معرض مواجهه با هزینه‌های سیاسی می‌باشند؛ در نتیجه انتظار می‌رود این شرکت‌ها گرایش کمتری به اجتناب مالیاتی داشته باشند. در مقابل فرضیه قدرت سیاسی قرار دارد که توسط سالامون و همکاران [xxxix] (۱۹۷۷)، توسعه یافت. طبق این فرضیه، شرکت‌های بزرگتر از قدرت سیاسی و اقتصادی ممتازی نسبت به شرکت‌های کوچکتر بهره می‌برند.

($LEV_{i,t}$): اهرم مالی شرکت i در سال t می‌باشد که از طریق تقسیم مجموع بدهی شرکت به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. در ادبیات مالی از بدهی به عنوان یکی از سپرده‌های مالیاتی یاد می‌شود. استیکنی و مک کی [xli] (۱۹۸۲)، گوپتا و نوبری [xlii] (۱۹۹۷)، وو و همکاران [xliii] (۲۰۱۳)، در تحقیقات خود بین اجتناب مالیاتی (نرخ مؤثر مالیاتی) و سطح اهرم مالی رابطه منفی مشاهده نمودند.

($ROA_{i,t}$): بیانگر بازده دارایی شرکت i در سال t می‌باشد که از تقسیم سود قبل از کسر مالیات به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. با توجه به این که مالیات بر مبنای درآمد مشمول مالیات محاسبه می‌شود، در نتیجه سودآوری می‌تواند عاملی مؤثر بر انگیزه اجتناب مالیاتی شرکت‌ها باشد. این متغیر به صورت درآمد قبل از کسر مالیات به کل دارایی‌ها اندازه‌گیری می‌شود و نویسنندگانی چون گوپتا و همکاران (۱۹۹۷)، اسپونر [xliv] (۱۹۸۶) و وو و همکاران (۲۰۱۳)، بین این متغیر و اجتناب مالیاتی رابطه معنادار یافتند.

$(CINT_{i,t})$: نشانگر شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت برای شرکت i در سال t می‌باشد که از تقسیم مجموع دارایی‌های ثابت به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. وو و همکاران (۲۰۱۳) استدلال می‌کنند که بین نرخ مؤثر مالیاتی و شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت از طریق معافیت مالیاتی حاصل از پرداخت‌های بهره و همچنین سرعت استهلاک، رابطه منفی وجود دارد.

$(INCINT_{i,t})$: نشانگر شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا برای شرکت i در سال t می‌باشد که از تقسیم مجموع موجودی کالا به کل دارایی‌ها به دست می‌آید. افزایش در میزان موجودی کالای پایان دوره منجر به افزایش سود و در نهایت افزایش هزینه مالیات خواهد شد که این امر در نهایت منجر به افزایش نرخ مؤثر مالیاتی (اجتناب مالیاتی)، خواهد شد (ریچاردسون و همکاران [xliv]، ۲۰۰۷).

میزان مالکیت نهادی (IO): عبارت است از درصد تجمعی سهام شرکت که توسط نهادهای سرمایه‌گذاری عمده نگهداری می‌شود به کل سهام منتشره و در دست سهامداران شرکت i در سال t (باباجانی و همکاران، ۱۳۸۹). تایلور و ریچاردسون [xliv] (۲۰۱۳) بین مالکیت نهادی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های استرالیایی رابطه منفی یافتند. متغیر مالکیت نهادی در این پژوهش، به صورت معیاری برای تفکیک شرکت‌های نمونه به دو گروه شرکت‌های با مالکیت نهادی زیاد و شرکت‌های با مالکیت نهادی کم، به کار می‌رود و اثر آن بر رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی با برآزش مدل، برای هر یک از این دو گروه مورد آزمون قرار می‌گیرد.

۵- یافته‌های پژوهش

اطلاعات مربوط به آمار توصیفی متغیرهای مورد استفاده این پژوهش در جدول ۱، منعکس شده است. میانگین نرخ مؤثر مالیاتی (ETR) تقریباً ۱۴ درصد بدست آمده؛ این در حالی است که نرخ مالیاتی شرکت‌های پذیرفته شده در بورس با اعمال معافیت ۱۰ درصد، ۲۲/۵ درصد می‌باشد. متوسط اهرم مالی (LEV) شرکت‌های مورد بررسی ۵۹ درصد است که مبین ادعای سایر گروه‌های تأمین کننده سرمایه به غیر از سهامداران نسبت به دارایی‌های شرکت می‌باشد. همچنین، میانگین مربوط به متغیر شدت سرمایه‌گذاری در دارایی ثابت ($CINT$) و شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا ($INVT$) حاکی از آن است که دو متغیر مذکور تقریباً یک چهارم از ساختار دارایی‌های شرکت را تشکیل می‌دهند. در خصوص مالکیت نهادی، شرکت‌هایی که کمتر ۶۶ درصد مالکیت نهادی داشتند، به عنوان شرکت‌های با مالکیت نهادی کم و شرکت‌های با بیش از ۹۲ درصد مالکیت نهادی، شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا در نظر گرفته شدند که این امر در بررسی فرضیه دوم، سوم تأثیرگذار خواهد بود. از مجموع ۴۱۰ نمونه سال-شرکت، تعداد ۱۰۴ شرکت در چارک اول و کمترین، تعداد ۱۰۸ شرکت در چارک چهارم و از بیشترین میزان سهامدارن نهایی، برخوردارند. تعداد ۲۰۰ شرکت نیز در دو چارک میانی قرار گرفتند؛ سپس برای گروه‌های اول و چهارم (شرکت‌های با مالکیت نهادی کم و شرکت‌های با مالکیت نهادی زیاد)، رگرسیون جداگانه محاسبه می‌شود.

جدول ۱- نتایج آماره توصیفی متغیرهای پژوهش

متغیر	تعداد مشاهدات	میانگین	میانه	انحراف معیار	چارک‌ها		
					۲۵٪	۵۰٪	۷۵٪
$DISK$	۴۱۰	۱۲۶/۶۹۸	۱۲۰/۵۰۰	۸۵/۵۷۲	۵۰/۷۵۰	۱۲۰/۵۰۰	۱۹۲/۲۵۰
$TRANS$	۴۱۰	۰/۲۹۵	۰/۲۱۸	۰/۲۵۳	۰/۰۷۹	۰/۲۱۸	۰/۴۷۹
ETR	۴۱۰	۰/۱۴۶	۰/۱۵۹	۰/۱۰۵	۰/۰۸۱	۰/۱۵۹	۰/۲۱۰
$CASH ETR$	۴۱۰	۰/۲۰۴	۰/۱۲۲	۱/۰۳۶	۰/۰۴۷	۰/۱۲۲	۰/۱۹۹
BTD	۴۱۰	۰/۰۲۷	۰/۰۱۳	۰/۱۲۸	-۰/۰۱۰	۰/۰۱۳	۰/۰۵۳

۰/۱۸۸	۰/۱۱۶	۰/۰۶۴	۰/۱۰۱	۰/۱۱۶	۰/۱۳۶	۴۱۰	ROA
۰/۷۰۷	۰/۶۱۲	۰/۴۷۳	۰/۱۷۴	۰/۶۱۲	۰/۵۹۰	۴۱۰	LEV
۶/۱۵۰	۵/۷۶۸	۵/۴۶۲	۰/۵۷۳	۵/۷۶۸	۵/۸۲۵	۴۱۰	SIZE
۰/۳۴۹	۰/۲۰۹	۰/۱۲۷	۰/۱۷۸	۰/۲۰۹	۰/۲۵۶	۴۱۰	CINT
۰/۳۰۲	۰/۲۱۹	۰/۱۳۷	۰/۱۱۸	۰/۲۱۹	۰/۲۳۰	۴۱۰	INVINT
۹۲	۸۲	۶۶	۲۴/۵۹۶	۸۲	۷۴/۲۶۴	۴۱۰	I-OWNERSHIP

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

آزمون فرضیه‌های پژوهش

برای برآورد ضرایب رگرسیونی و اظهار نظر در خصوص فرضیه‌های پژوهش، از مدل رگرسیون امکانی فازی (ضرایب فازی و ورود و خروج مشاهدات غیر فازی) استفاده گردید؛ البته برای تعیین نقاط مرکزی در هر یک از گروه شرکت‌ها، ابتدا با برآزش مدل رگرسیونی به روش کمترین مربعات، ضرایب محاسبه می‌شود. با توجه به داده‌های ترکیبی در مدل‌های رگرسیونی، به منظور انتخاب بین داده‌های ترکیبی [xlvi] و داده‌های تلفیقی [xlvii] از آزمون چاو استفاده شد. بعلاوه آزمون هاردی برای بررسی مانایی متغیرها به کار می‌رود. لازم به ذکر است در داده‌های پنل برخلاف داده‌های سری زمانی، برای آزمون مانایی نمی‌توان از آزمون‌های دیکی فولر و دیکی فولر تعمیم یافته استفاده کرد؛ بلکه لازم است مانایی جمعی آزمون شود و بدین منظور از آزمون هاردی استفاده شد. نتایج آزمون مانایی متغیرها به شرح جدول ۲ می‌باشد. نتایج نشان می‌دهد فرضیه صفر مبتنی بر ریشه واحد متغیرها یا مانایی آن‌ها در سطح ۰/۰۵ اطمینان رد می‌شود و تمامی متغیرهای بکار رفته در قسمت اول فرضیه اول پژوهش مانا می‌باشند و در مدل رگرسیون کاذبی را ایجاد نمی‌کند.

جدول ۲- نتایج آزمون ریشه واحد با استفاده از آزمون هاردی

متغیرها	آزمون هاردی (Prob)	آماره آزمون	وضعیت مانایی
کیفیت افساء	۰/۰۰	۱۹/۱۹۸	مانا
اندازه شرکت	۰/۰۰	۱۲/۹۸	مانا
اهرم مالی	۰/۰۰	۱۳/۷۵	مانا
سودآوری	۰/۰۰	۱۵/۸۸	مانا
شدت سرمایه‌گذاری در دارایی‌های ثابت	۰/۰۰	۱۵/۷۹	مانا
شدت سرمایه‌گذاری در موجودی کالا	۰/۰۰	۱۵/۳۳	مانا

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

با توجه به آماره و سطح معناداری حاصل از این آزمون که به ترتیب برای مدل ۱، (۱/۷۳۷) و (۰/۰۰۰۴) و برای مدل ۳، (۱/۶۶۲) و (۰/۰۰۱۱) می‌باشد، لذا فرضیه صفر این آزمون مبنی بر استفاده از روش داده‌های تابلویی رد و در نتیجه از روش داده‌های تلفیقی استفاده می‌شود. همچنین سطح معناداری آماره F برای مدل دوم بزرگتر از ۰/۰۵ می‌باشد، بنابراین فرض صفر قبول و روش داده‌های ترکیبی برای مدل دوم انتخاب شد. جدول ۳، آماره آزمون و سطح معناداری مربوط به آزمون را نشان می‌دهد:

جدول ۳- نتیجه آزمون چاو (F Limer)

<i>TAX AVOID_{i,t}</i>			نماد ضریب	متغیرها
<i>MODEL (۳)</i>	<i>MODEL (۲)</i>	<i>MODEL (۱)</i>		
<i>(_tBTD_i)</i>	<i>(_tETR_i CASH)</i>	<i>(_tETR_i)</i>		
۱/۶۶۲	۱/۱۰۴	۱/۷۳۷	آماره آزمون	آزمون F لیمر
(۰/۰۰۱۱)	(۰/۲۷۲)	(۰/۰۰۰۴)	(سطح معناداری)	
انتخاب روش تلفیقی یا پنل	انتخاب روش پولینگ	انتخاب روش تلفیقی یا پنل		نتیجه آزمون

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

روش داده‌های تلفیقی، خود دارای دو روش اثرات ثابت و اثرات تصادفی می‌باشد که برای تشخیص ثابت یا تصادفی بودن اثرات از آزمون هاسمن [xlvi] استفاده می‌شود. فرضیه صفر آزمون فوق مربوط به استفاده از اثرات تصادفی و فرضیه مقابل آن مبتنی بر استفاده از اثرات ثابت می‌باشد. با توجه به آماره کای دو و سطح معناداری مربوط به آزمون هاسمن که در جدول ۴ ارائه گردید؛ برآزش مدل اول بصورت داده‌های تلفیقی با استفاده از مدل اثرات ثابت و مدل سوم با استفاده از اثرات تصادفی صورت می‌پذیرد.

جدول ۴- نتیجه آزمون هاسمن

<i>TAX AVOID_{i,t}</i>			نماد ضریب	متغیرها
<i>MODEL (۳)</i>	<i>MODEL (۲)</i>	<i>MODEL (۱)</i>		
<i>(_tBTD_i)</i>	<i>(_tETR_i CASH)</i>	<i>(_tETR_i)</i>		
۶/۳۴۲	-	۱۴/۰۶۸	آماره کای دو	آزمون هاسمن
(۰/۳۸۵)	-	(۰/۰۲۸۹)	(سطح معناداری)	
انتخاب روش پنل با اثرات مقطعی	-	انتخاب روش پنل با اثرات ثابت		نتیجه آزمون

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۵ نتایج حاصل از برآزش مدل اول، ارائه شده است.

جدول ۵- برآورد ضرایب رگرسیونی (کیفیت افشاء به عنوان شفافیت گزارشگری مالی)

<i>TAX AVOID_{i,t}</i>			نماد ضریب	متغیرها
(۳) <i>MODEL</i>	(۲) <i>MODEL</i>	(۱) <i>MODEL</i>		
(<i>t</i> , <i>BTD_i</i>)	(<i>t</i> , <i>ETR_i CASH</i>)	(<i>t</i> , <i>ETR_i</i>)		
-۷/۳۳ × ۱۰ ^{-۲}	۰/۰۰۰۶	-۰/۰۱۴۴	β_1	<i>DISK_{i,t}</i>
(-۲/۰۶۶)	(۰/۹۹۱۰)	(-۲/۰۳۳)	(آماره <i>t</i>)	کیفیت افشاء
۰/۰۲۰۵	۰/۳۲۲۳	۰/۰۰۶۳	سطح معناداری	
۰/۰۳۵۲	۰/۰۷۳۶	-۰/۰۱۴۳	β_2	<i>SIZE_{i,t}</i>
(۳/۴۲۹)	(۰/۷۶۳۳)	(-۰/۲۸۴)	(آماره <i>t</i>)	اندازه شرکت
۰/۰۰۰۷	۰/۴۴۵۷	۰/۷۷۶	سطح معناداری	
-۰/۱۰۶۲	۰/۲۴۵۱	۰/۰۳۳	β_3	<i>LEV_{i,t}</i>
(-۳/۶۰۰۶)	(۰/۶۰۱۵)	(۰/۳۵۶)	(آماره <i>t</i>)	اهرم مالی
۰/۰۰۰۴	۰/۵۴۷۸	۰/۷۲۱	سطح معناداری	
۰/۳۹۰۳	-۰/۶۸۳۳	۰/۱۱۸	β_4	<i>ROA_{i,t}</i>
(۵/۱۰۴)	(۰/۹۵۱۴)	(۰/۹۷۱)	(آماره <i>t</i>)	سودآوری
۰/۰۰۰	۰/۳۴۱۹	۰/۳۳۲	سطح معناداری	
-۰/۰۰۹۳	-۰/۱۶۷۱	-۰/۱۲۵	β_5	<i>CINT_{i,t}</i>
(-۰/۲۹۴)	(-۰/۵۶۰۵)	(-۱/۶۳)	(آماره <i>t</i>)	شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت
۰/۷۶۸	۰/۵۷۵۴	۰/۱۰۲	سطح معناداری	
-۰/۱۲۹۸	-۰/۱۷۸۸	-۰/۰۲۰۸	β_6	<i>INVINT_{i,t}</i>
(-۰/۶۷۵)	(-۰/۳۹۲۵)	(-۰/۳۳۳)	(آماره <i>t</i>)	شدت سرمایه گذاری در موجودی کالا
۰/۰۰۷۸	۰/۶۹۴۹	۰/۷۳۸	سطح معناداری	
۳/۵۰۳	۱/۲۹۲	۲۵/۰۳۲	آماره <i>F</i>	نتایج کلی مدل
(۰/۰۰۱)	(۰/۲۵۹)	(۰/۰۰۰۱)	سطح معناداری	
۰/۰۶	۰/۰۰۴۲	۰/۰۹۷۴	ضریب تعیین تعدیل شده	
۲/۴۸۱	۱/۹۵۵	۱/۸۹۹	آماره دوربین واتسون	

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

نتایج الگوی (۱) بیانگر آن است که با در نظر گرفتن نرخ مؤثر هزینه مالیات به عنوان متغیر اجتناب مالیاتی، ضریب رگرسیونی شاخص کیفیت افشاء به عنوان متغیر شفافیت گزارشگری مالی ۰/۰۱۴۴- می‌باشد. با توجه به این‌که سطح معناداری برای متغیر مذکور ۰/۰۰۶۳ و کمتر از ۰/۰۵ است، بنابراین تأثیر کیفیت افشاء بر نرخ مؤثر هزینه مالیات معکوس و معنادار است ($p-value < 0.0063$). در مدل (۲)، با در نظر گرفتن نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی به عنوان متغیر وابسته، ضریب رگرسیونی کیفیت افشاء ۰/۰۰۰۶ و سطح معناداری متناظر ۰/۳۲۲۳ و بیشتر از ۰/۰۵ است؛ لذا تأثیر متغیر کیفیت افشاء بر نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی معنادار نمی‌باشد ($p-value > 0.3223$). در مدل (۳) نیز متغیر تفاوت دفتری مالیات به عنوان نماینده اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شده است. در این مدل، ضریب رگرسیونی کیفیت افشاء ۰/۰۷۳۳- و سطح معناداری متناظر با آن ۰/۰۲۰۵ کمتر از ۰/۰۵ است. آماره دوربین-واتسون نیز بین (۱/۵) و (۲/۵) می‌باشد؛ لذا خود همبستگی شدید مرتبه اول بین اجزای باقیمانده مدل وجود ندارد. آماره و سطح معناداری F فیشر نیز نشان می‌دهد کل مدل از لحاظ آماری معنادار می‌باشند. همچنین ضریب تعیین بیانگر قدرت توضیح دهنده متغیرهای مستقل می‌باشد که در این فرض برای مدل اول، دوم و سوم به ترتیب (۰/۰۹۷۴)، (۰/۰۰۴۲) و (۰/۰۰۶) است که از لحاظ آماری قابل توجه می‌باشد. با عنایت به معناداری ضرایب برآورد شده در مدل (۱) و مدل (۳)، تأثیر متغیر کیفیت افشاء بر نرخ مؤثر هزینه مالیات و تفاوت دفتری مالیات معکوس و معنادار بوده و فرضیه اول پژوهش مبنی بر این‌که "بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی رابطه معناداری وجود دارد" با اطمینان ۰/۹۵ برای تأثیر متغیر کیفیت افشاء بر نرخ مؤثر هزینه مالیات و تفاوت دفتری مالیات در پذیرفته می‌شود.

با توجه به داده‌های سالانه، برای محاسبه شاخص شفافیت سود ($E-TRANS_{i,t}$) در هر سه مدل رگرسیونی جدول ۶، از رگرسیون چند متغیره (برآورد ضرایب به روش کمترین مربعات) استفاده شده است. در جدول زیر متغیر شفافیت سود به عنوان نماینده شفافیت گزارشگری مالی در نظر گرفته شده است. آماره دوربین-واتسون برای مدل اول، دوم و سوم به ترتیب معادل (۱/۹۸۳)، (۱/۸۵۳) و (۱/۹) می‌باشد. با توجه به اینکه مقدار آماره فوق بین ۱/۵ و ۲/۵ می‌باشد؛ لذا خود همبستگی شدید مرتبه اول بین اجزای باقیمانده مدل وجود ندارد. آماره و سطح معناداری F فیشر نیز نشان می‌دهد کل مدل از لحاظ آماری معنادار می‌باشند. همچنین ضریب تعیین تعدیل شده نیز برای مدل اول، دوم و سوم به ترتیب (۰/۰۸۲)، (۰/۰۰۲۱) و (۰/۲۵۹) است که بیانگر توضیح تغییرات متغیر وابسته توسط متغیر مستقل می‌باشد. نتایج به دست آمده حاکی از آن است که فرضیه اول پژوهش فقط با لحاظ کردن تفاوت دفتری مالیات به عنوان شاخص اجتناب مالیاتی و متغیر شفافیت سود به عنوان شاخص شفافیت گزارشگری مالی پذیرفته می‌شود. در حقیقت ضریب رگرسیونی شفافیت سود 1.0×0.17 - سطح معناداری متناظر با آن ۰/۰۲۲۳ کمتر از ۰/۰۵ می‌باشد؛ بنابراین با اطمینان ۰/۹۵ تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی معکوس و معنادار می‌باشد.

جدول ۶- برآورد ضرایب رگرسیونی (شفافیت سود به عنوان شفافیت گزارشگری مالی)

$TAX AVOID_{i,t}$			نماد ضریب	متغیرها
MODEL (۳) ($BTD_{i,t}$)	MODEL (۲) ($CASH ETR_{i,t}$)	MODEL (۱) ($ETR_{i,t}$)		
-0.17×1.0^{-2}	۰/۰۷۲۲	۰/۰۱۲۳	β_1	$E-TRANS_{i,t}$
(-۲/۰۱۳۱)	(۰/۳۵۲۵)	(۰/۶۲۰۴)	(آماره t)	شفافیت سود

۰/۰۲۲۳	۰/۷۲۴۶	۰/۵۳۵۳	سطح معناداری	
۰/۰۱۱۱	۰/۱۰۲۵	-۰/۰۴۱۵	β_2	$SIZE_{i,t}$
(۰/۵۰۹۱)	(۱/۱۰۷۵)	(-۴/۶۱۱)	(آماره t)	اندازه شرکت
۰/۶۱۰۹	۰/۲۶۸۷	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
-۰/۱۵۹۷	۰/۲۰۵۰	۰/۱۸۱۶	β_3	$LEV_{i,t}$
(-۳/۶۳۲)	(۰/۴۹۷۲)	(۴/۵۲۷۷)	(آماره t)	اهرم مالی
۰/۰۰۰	۰/۶۱۹۳	۰/۰۰۰	سطح معناداری	
۰/۳۸۴۹	-۰/۸۷۷۵	۰/۱۳۶۹	β_4	$ROA_{i,t}$
(۴/۹۸۳۲)	(-۱/۲۴۶۱)	(۱/۹۹۸۷)	(آماره t)	سودآوری
۰/۰۰۰	۰/۲۱۳۴	۰/۰۴۶۳	سطح معناداری	
-۰/۰۰۸۱	۰/۱۵۸۱	۰/۰۴۶۶۶	β_5	$CINT_{i,t}$
(۰/۲۵۵۹)	(۰/۲۹۹۲)	(۱/۶۰۳۰)	(آماره t)	شدت سرمایه گذاری در دارایی های ثابت
۰/۷۹۸۱	۰/۵۹۷۴	۰/۱۰۹۷	سطح معناداری	
-۰/۱۲۸۹	-۰/۱۴۱۵	۰/۰۳۸۵	β_6	$INVINT_{i,t}$
(-۲/۶۵۲۸)	(-۰/۴۴۵۲)	(۰/۸۷۰۵)	(آماره t)	شدت سرمایه گذاری در موجودی کالا
۰/۰۰۸۳	۰/۷۵۶۰	۰/۳۸۴۵	سطح معناداری	
۲۱/۴۵۴	۱/۱۴۷	۷/۰۹	آماره F	
(۰/۰۰۰۱)	(۰/۳۳۴)	(۰/۰۰۱)	سطح معناداری	نتایج کلی مدل
۰/۲۵۹	۰/۰۰۲۱	۰/۰۸۲	ضریب تعیین تعدیل شده	
۱/۹۰۰	۱/۸۵۳	۱/۸۹۳	آماره دوربین واتسون	

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

برای بررسی فرضیه دوم و سوم تحقیق استفاده از داده‌های پانلی امکان پذیر نیست؛ لذا در هر دو فرضیه از روش رگرسیون چند متغیره کلاسیک استفاده و پس از محاسبه ضرایب (مقادیر اولیه برای رگرسیون فازی)، با کمک تابع هدف زیر، برآوردهای مورد نیاز برای رگرسیون فازی ارائه می‌شود.

$$\text{TAX AVOID}_{i,t} = a_0S_0 + a_1S_1 + a_2S_2 + a_3S_3 + a_4S_4 + a_5S_5 + a_6S_6 \quad (8)$$

با کمک نرم افزار *LINGO11*، رابطه شماره (8) برای هر یک از فرضیه‌های پژوهش متناسب با متغیرهای وابسته اجتناب مالیاتی (در سه حالت) و متغیر مستقل شفافیت گزارشگری مالی برآش گردید.

(9)

تابع هدف پس از تعیین α ; برای شاخص کیفیت افشاء:

$$\text{DISK}_{i,t} = 2*105 S_0 + 14966 S_1 + 595.84 S_2 + 61.54 S_3 + 11.93 S_4 + 27 S_5 + 23 S_6 \quad (9)$$

تابع هدف پس از تعیین α ; برای شاخص شفافیت سود:

MODEL FUZZY							OWNERSHIP
S6	S5	S4	S3	S2	S1	S0	LOW
/۱۸۶۵۲۱	/۰۳۹۱۴۷	/۲۲۶۷۵۱	/۱۷۷۲۵۲	/۰۰۴۴۳۸	E01/0+۰۳	/۰۳۹۶۹۳	FUZZY
.	ETR_DISK
۰/۰۴۱۸۶	/۰۸۳۴۷۸	۰/۰۱۷۲۵	/۰۶۹۲۱۴	۰/۰۶۵۹۷	-۰/۰۰۰۱۴	/۴۸۷۷۴۱	Beta
.	.	-	.	-	.	.	
/۱۸۵۴۶۳	/۰۳۸۳۲۲	/۲۲۹۲۱۶	۰/۱۸۴۱۱	/۰۰۳۸۰۹	۰/۰۰۳۶۳	/۰۳۳۸۸۶	FUZZY
.	ETR_TRAN
۰/۳۸۷۳۲	۰/۰۷۵۳۲	۱/۳۱۰۲۲	-۰/۱۵۴۹۷	/۳۱۵۲۰۲	۰/۰۰۰۲۴۴	-۱/۲۵۶۹۸	Beta
-	-	-	
/۴۶۱۵۷۱	/۲۷۴۰۱۳	E00/+۰۰	۱/۳۱۵۵۷	۱۵/۸۰۵۴	E00/0+۰۰	/۲۳۴۳۰۲	FUZZY
۵	۱	0	.	۸	.	.	CASHETR_DISK
۰/۰۷۸۶۱	۰/۰۰۳۶۶	/۳۷۱۱۰۹	-۰/۲۳۸	/۰۴۵۰۲۷	-۰۶	/۱۲۶۷۴۲	Beta
-	-	.	.	.	-E59/5	-۰	
/۹۶۳۳۵۵	E00/+۰۰	/۶۹۴۳۸۲	/۳۷۰۱۰۲	۱۲/۱۴۲۳	E00/0+۰۰	۰/۵۲۸۳۸	FUZZY
۵	0	۲	۸	.	.	.	CASHETR_TRAN
/۰۲۶۷۹۹	/۰۷۷۷۲۷	/۰۶۲۰۲۱	/۱۰۳۱۳۳	۰/۰۷۲۰۸	۰/۰۱۲۷۱۸	/۴۷۶۲۲۹	Beta
.	.	.	.	-	.	.	
۱/۰۷۳۷۶	/۴۹۹۵۳۴	/۲۰۸۳۳۲	۰/۸۱۲۵۵	/۰۰۴۸۸۷	۰/۰۰۲۲۱۳	۴۴۶۶۵/۳	FUZZY
.	۳	۵	BTD_DISK
۰/۲۹۹۶۳	۰/۰۵۲۰۲	۱/۳۰۷۳۱	-۰/۰۲۴۶۷	۰/۳۰۳۸۸	۰/۴۲۲۶۳۸	/۴۰۷۶۲۵	Beta
-	.	-	.	.	.	-۱	
/۲۱۸۶۶۲	۰/۶۶۳۲۲	۰/۱۴۶۰۲	/۰۲۵۵۸۸	/۰۰۸۹۵۳	۰/۳۳۶۲۳۹	۶۰۷۱/۰۹	FUZZY
۱	.	.	۴	.	.	۷	BTD_TRAN

0/08134	0/00798	369290	-0/24328	0/45555	-0/01502	121238	Beta
-	-	-.	

$$E-TRANS_{i,t} = 2*105 S_0 + 36.44 S_1 + 595.84 S_2 + 61.54 S_3 + 11.93 S_4 + 27 S_5 + 23 S_6 \quad (10)$$

توابع هدف شاخص‌های کیفیت افشاء و شفافیت سود با توجه به محدودیت‌های روابط (۴) و (۵) که در مجموع ۲۱۰ محدودیت (تعداد شرکت‌های با مالکیت پایین (بالا)) است، بهینه می‌شود. پس از تشکیل محدودیت‌ها و حل معادله خطی توابع (۹) و (۱۰) با توجه به مقادیر مختلف h ، مقدار $h=0/5$ با کمترین مقدار خطا (MSE) متناسب با متغیرهای وابسته برای بهینه نمودن توابع محاسبه گردید.

در مرحله بعد، پس از پیدا کردن مقادیر a_i و s_i ها، بایستی مقادیر مرکزی و پراکنندگی داده‌ها بدست آید. در جدول ۷ و ۸، ضرایب مرکزی و پهنای فازی برای شرکت‌های دارای مالکیت نهادی پایین و بالا ارائه شده است.

جدول ۷- ضرایب مرکزی و پهنای فازی برای شرکت‌های دارای مالکیت نهادی پائین

MODEL FUZZY							OWNERSHIP LOW
S6	S5	S4	S3	S2	S1	S0	
186021	039147	226701	177202	004438	E01/0+03	039693	FUZZY
.	ETR_DISK
0/4186	083478	0/01725	0/69214	0/6097	-0/00014	487741	Beta
.	.	-	.	-	.	.	
180463	038322	229216	0/18411	003809	0/00363	033886	FUZZY
.	ETR_TRAN
038732	0/07032	1/31022	-0/15497	310202	0/000244	-1/20698	Beta
-	-	-	
461051	274013	E00/+00	1/31007	10/8054	E00/0+00	234302	FUZZY
0	1	0	.	8	.	.	CASHETR_DISK
0/07861	0/00366	371109	-0/238	0/45027	-0/6	126742	Beta
-	-	.	.	.	-E59/5	-.	
963300	E00/+00	694382	370102	12/1423	E00/0+00	052838	FUZZY
0	0	2	8	.	.	.	CASHETR_TRAN
026799	0/07727	0/62021	103133	0/07208	0/012718	476229	Beta
.	.	.	.	-	.	.	
1/07376	499034	208332	0/81200	004887	0/002213	446603	FUZZY
.	3	0	BTD_DISK
029963	0/00202	1/30731	-0/02467	0/30388	0/422638	407620	Beta
-	.	-	.	.	.	-1	

/۲۱۸۶۶۲ ۱	۰/۶۶۳۲۲	۰/۱۴۶۰۲	/۰۲۵۵۸۸ ۴	/۰۰۸۹۵۳ ۰	۰/۳۳۶۲۳۹	۶۰۷۱/۰۹ ۷	FUZZY	BTD_TRAN
۰/۰۸۱۳۴ -	۰/۰۰۷۹۸ -	/۳۶۹۲۹۵ ۰	-۰/۲۴۳۲۸	/۰۴۵۵۵۵ ۰	-۰/۰۱۵۰۲	/۱۲۱۲۳۸ -۰	Beta	

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

در جدول ۸ نیز ضرایب و پهنای فازی برای شرکت‌های با مالکیت‌های نهادی بالا ارائه شده است.

جدول ۸- ضرایب مرکزی و پهنای فازی برای شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بالا

MODEL FUZZY								OWNERSHIP UP
S6	S5	S4	S3	S2	S1	S0		
68865/0	1E10-	072171/0	1E-10	004161/0	000893/0	067535/0	FUZZY	ETR_DISK
190427/0	051241/0	458755/0	230089/0	04413/0-	00012/0-	166552/0	Beta	
75/59512	1E10-	2/157404	05/49631	1586394	95/29116	060209/0	FUZZY	ETR_TRAN
196274/0	05522/0	470921/0	21587/0	04511/0-	016899/0	153272/0	Beta	
291328/0	777938/0	058674/0	1E10-	000129/0	001171/0	475295/0	FUZZY	CASHETR_DISK
600606/0	276898/0	85659/0-	44839/0-	090259/0	000637/0	2807/0-	Beta	
55645/24	1E10-	49563/63	81719/14	9431/609	6683/27	200147/1	FUZZY	CASHETR_TRAN
604244/0	285946/0	89421/0-	43618/0-	106849/0	015595/0	29549/0-	Beta	
1/560875	1E10-	7/821719	7/427705	1E10-	29/5E05	8/109324	FUZZY	BTD_DISK
25127/0-	03569/0-	20228/0	12561/0-	00627/0-	81/1E05	161977/0	Beta	
575732/0	1E10-	1E10-	852642/0	006595/0	1E10-	9/230571	FUZZY	BTD_TRAN
25127/0-	03569/0-	20228/0	12561/0-	00627/0-	81/1E05-	161977/0	Beta	

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

پس از پیدا کردن کرانه‌های بالا و پایین برای h های متفاوت، شاخص اطمینان IC به شکل جدول ۹ بدست می‌آید. در مدل‌های برآزش داده شده هر چه میزان این شاخص کوچکتر باشد (البته با در نظر گرفتن ابهام کل) مدل مناسب‌تر می‌باشد. در شرکت‌های دارای مالکیت نهادی پائین، مقدار شاخص اطمینان [xlix] نسبت به مدل‌های رگرسیونی مشابه برای شرکت‌های دارای مالکیت نهادی بالا کمتر می‌باشد؛ البته مقدار ابهام کل نیز برای شرکت‌های مذکور کمتر است.

جدول ۹ - خلاصه نتایج رگرسیون فازی

مدل	(۱۱) نوع شرکتها	متغیر وابسته TAX AVOID _{i,t}	متغیر مستقل TRANS _{i,t}	SSE/SST	MSE	IC	ابهام کل
۱		نرخ مؤثر هزینه مالیات	کیفیت افشاء	۰/۲۵۸۲	۰/۰۲۲۲	۰/۷۴۱۷	۸/۹۷۱
			شفافیت سود	۰/۱۱۲۷	۰/۰۱۳۲	۰/۸۸۷۲	۱۲/۲۲۴۹
(۱۱) ۳	شرکت های دارای مالکیت نهادی پائین	نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی	کیفیت افشاء	۰/۳۴۹۱	۰/۰۹۳۵	۰/۶۵۰۸	۹/۸۱
			شفافیت سود	۰/۰۶۰۱	۰/۸۲۳۹	۰/۹۳۹۸	۱۴۳/۳۷۲۱
			کیفیت افشاء	۰/۰۲۷۲	۰/۹۳۵۸	۰/۹۷۲۷	۹۰/۳۴۲۸
۴		تفاوت دفتری مالیات	شفافیت سود	۰/۰۹۰۳	۰/۹۴۳۵	۰/۹۰۹۶	۱۰۰/۵۷
۵		نرخ مؤثر هزینه مالیات	کیفیت افشاء	۰/۳۸۷۱	۰/۰۱۳۵	۰/۶۱۲۸	۴/۶۶۵
۶	شفافیت سود		۰/۳۵۵۴	۰/۰۱۳۶	۰/۶۱۱۸	۴/۴۹۷۰	
۷	شرکت های دارای مالکیت نهادی بالا	نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی	کیفیت افشاء	۰/۱۲۷۶	۰/۳۳۹۷	۰/۸۷۲۳	۲۷۹/۵۲۷
۸			شفافیت سود	۰/۰۰۶۶	۰/۱۲۰۶	۰/۹۹۳۴	۴۹۸/۳۲
۹		تفاوت دفتری مالیات	کیفیت افشاء	۰/۶۲۳۳	۰/۹۲۳۶	۰/۳۷۶۶	۴۲/۹۸۹۸
۱۰			شفافیت سود	۰/۱۴۴۴	۰/۹۰۲۷	۰/۸۵۵۵	۱۸۵/۵۶۳۰
۱۱							
۱۲							

مأخذ: یافته‌های پژوهشگر

یافته‌های پژوهش نشان می‌دهد که در شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا، در صورتی که شفافیت سود به عنوان معیار شفافیت گزارشگری مالی و شاخص‌های نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات به عنوان معیار اجتناب مالیاتی در نظر گرفته شود، فرضیه دوم با اطمینان ۹۰ درصد پذیرفته می‌شود. این موضوع در شرکت‌های با مالکیت نهادی پائین، فقط در صورتی که شاخص نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی به عنوان معیار اجتناب مالیاتی و کیفیت افشاء به عنوان معیار شفافیت در نظر گرفته شود فرضیه سوم تحقیق مبنی بر این که "بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی در شرکت‌های با مالکیت نهادی کم رابطه معناداری وجود دارد" با اطمینان ۹۵ درصد پذیرفته می‌شود.

۶- نتیجه‌گیری و پیشنهادها

در گزارش‌های مالی مالیات نشانگر سهم دولت از سود شرکت‌ها می‌باشد. عمده درآمد مالیاتی دولت‌ها را مالیات اخذ شده از اشخاص حقوقی تشکیل می‌دهد. اجتناب مالیاتی به معنای صرفه‌جویی مالیاتی ناشی از کاهش مالیاتی پرداختی عمومی است که گاهی اوقات قانونی بودن آن مورد تردید بوده و به مفهوم تعداد معاملات برای به حداقل رساندن بدهی‌های مالیاتی به شمار می‌آید. عموماً از دید سرمایه‌گذاران، فعالیت اجتناب از پرداخت مالیات یک فعالیت ارزش‌زا محسوب می‌شود. مدیران بین گزارش‌گری مالی و برنامه ریزی‌های مالیاتی با تضادی روبرو هستند، در حالی که تمایل به گزارش سطح بالای درآمد به سهامداران را دارند، به طور همزمان می‌خواهند سطوح پایین‌تر درآمد را به مقامات مالیاتی گزارش نمایند. در بسیاری از کشورها از جمله ایران قوانین گزارش‌گری مالی با قوانین گزارش‌گری مالیاتی تفاوت دارد و به مدیران اجازه می‌دهد تا سطوح متفاوتی از درآمد را به مقامات مالیاتی و سرمایه‌گذاران گزارش دهند. هر چند بسیاری از معاملات اقتصادی به طور مشابه در هر دو سیستم ثبت می‌شوند. یکی از هزینه‌هایی که به طور بالقوه بر روی برنامه ریزی‌های مالیاتی سایه افکنده است، تأثیر برنامه ریزی‌های مالیاتی بر روی شفافیت گزارش‌گری مالی شرکت است؛ بنابراین به اندازه‌ای که کیفیت گزارش‌گری مالی پایین است، عدم تقارن اطلاعاتی و عدم اطمینان اطلاعاتی افزایش می‌یابد (فرانک و همکاران [11]، ۲۰۰۹). برنامه‌ریزی مالیاتی می‌تواند فعالیت‌های متقلبانه مدیریت را تسهیل و در نتیجه سبب بدتر شدن مشکلات نمایندگی میان شرکت و سهامدارانش شود. هدف اصلی این پژوهش شناسایی وجود ارتباط بین شفافیت گزارش‌گری مالی و اجتناب از پرداخت مالیات در شرکت‌های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران است. پرسش این است که آیا سطح مالکیت نهادی این رابطه را تعدیل می‌کند.

نتایج حاصل از آزمون فرضیه‌های تحقیق نشان داد که فعالیت‌های برنامه‌ریزی مالیاتی، شفافیت گزارش‌گری مالی شرکت را کاهش می‌دهد. فعالیت‌های اجتناب از پرداخت مالیات مستلزم پنهان کردن حقایق و معاملات پیچیده است که بر محیط اطلاعاتی شرکت تأثیری منفی می‌گذارد و باعث کاهش شفافیت گزارش‌گری مالی شرکت و به تبع آن تغییر نگرش بازار نسبت به اطلاعات منتشر شده و تصمیم‌گیری آن می‌شود. از این نظر نتیجه حاصل مشابه نتیجه پژوهش عرب مازار یزدی و همکاران (۱۳۹۰)، هانلون و همکاران (۲۰۱۰) و بالاکریشنان و همکاران (۲۰۱۱) می‌باشد. از طرفی طبق ادبیات موجود در زمینه ساز و کار راهبری شرکتی، انتظار می‌رود که راهبری شرکتی سازمان را در جهت سازمان را در جهت حداکثرسازی منافع سهامداران کنترل و هدایت کند، به همین دلیل در این تحقیق بعد از بررسی مبانی نظری در ارتباط با رابطه اجتناب از مالیات و شفافیت گزارش‌گری مالی شرکت، اثر شاخص راهبری شرکت نیز در این رابطه بررسی شده است. این شاخص به عنوان متغیر تعدیل‌کننده وارد مدل شد. به این صورت که براساس این شاخص، نمونه تحقیق به دو گروه تقسیم شدند. با تفکیک شرکت‌ها به شرکت‌های دارای مالکیت نهادی پائین و بالا، مدل‌های رگرسیونی و شاخص اطمینان متناظر با هر یک از مدل‌ها حاکی از آن است که سطح مالکیت نهادی بر ارتباط بین اجتناب مالیاتی و شفافیت گزارش‌گری مالی تأثیرگذار بوده و شرکت‌ها با مالکیت نهادی پائین‌تر مدل‌های مناسب‌تر و رابطه قوی‌تری بین شفافیت گزارش‌گری مالی و اجتناب مالیاتی را نشان می‌دهند؛ بنابراین در صورتی که اجتناب مالیاتی را انعکاسی از نظریه نمایندگی در نظر بگیریم به نظر می‌رسد، مالکیت نهادی در ایران، به عنوان مکانیسم نظارتی قوی در کاهش هزینه نمایندگی عمل نمی‌کند و سرمایه‌گذاران این گروه اهداف کوتاه مدت سرمایه‌گذاری داشته و با پنهان‌کاری مالیاتی بیشتر قصد دارند در کوتاه‌مدت مالیات بیشتری ذخیره و از این طریق به افزایش ثروت خود در کوتاه‌مدت مبادرت ورزند. دیگر نتایج این پژوهش حاکی از آن است:

- در صورتی که تفاوت دفتری مالیات نماینده اجتناب مالیاتی، شاخص‌های کیفیت افشاء و شفافیت سود، نماینده شفافیت باشند؛ شفافیت گزارش‌گری مالی تأثیر معکوس بر اجتناب مالیاتی خواهد داشت.
- در صورتی که نرخ مؤثر هزینه مالیات نماینده اجتناب مالیاتی و شاخص کیفیت افشاء نماینده شفافیت باشد، شفافیت گزارش‌گری مالی تأثیر معکوس بر اجتناب مالیاتی خواهد داشت.
- در صورتی که نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی و تفاوت دفتری مالیات نماینده اجتناب مالیاتی و شاخص شفافیت سود نماینده شفافیت باشد، شفافیت گزارش‌گری مالی در شرکت‌های با مالکیت نهادی بالا تأثیر معکوس بر اجتناب مالیاتی خواهد داشت.

- در صورتی که نرخ مؤثر مالیات نقدی پرداختی نماینده اجتناب مالیاتی و شاخص کیفیت افشاء نماینده شفافیت باشد، شفافیت گزارشگری مالی در شرکت‌های با مالکیت نهادی پایین تأثیر معکوس بر اجتناب مالیاتی خواهد داشت.

محدودیت‌هایی که در اجرای تحقیق وجود داشته و در تعبیر و تفسیر یافته‌های تحقیق و قابلیت تعمیم آن باید مورد لحاظ قرار گیرند عبارتند از:

(۱) رتبه بندی شرکت‌ها از لحاظ کیفیت افشاء و اطلاع رسانی هر ساله چهار بار برای دوره‌های سه ماهه منتهی به ۳/۳۱، ۶/۳۱، ۹/۳۰ و همچنین دوره سالانه منتهی به ۱۲/۲۹ توسط سازمان بورس اعلام شده است. در این تحقیق فقط از رتبه شرکت‌ها در پایان سال استفاده شده است که می‌تواند در کسب شواهد دقیقتر محدودیت ایجاد کند.

(۲) شرکت‌هایی که برای نمونه آماری انتخاب می‌شوند، درآمد مشمول آن‌ها باید قطعی شده باشد که اکثر دارای عدم قطعیت درآمد مشمول بودند؛ این امر موجب کاهش حجم نمونه آماری شده است.

(۳) در این تحقیق، دیدگاه مالکان نهادی از لحاظ افق زمانی سرمایه‌گذاری در نظر گرفته نشده است که می‌تواند در نتایج پژوهش اثرگذار باشد.

بر مبنای یافته‌های حاصل از پژوهش، پیشنهادهای زیر ارائه می‌گردد:

(۱) از آن جا که تأثیر سطح مالکیت نهادی بر رابطه بین شفافیت گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی خلاف انتظار به دست آمد، می‌توان ادعا نمود که سهامداران نهادی در ایران یا دیدگاه کوتاه‌مدت در سرمایه‌گذاری داشته و یا این که تخصص لازم را ندارند؛ از این رو می‌توان نتیجه گرفت که مالکیت نهادی، از ویژگی‌های حاکمیت شرکتی در نظام نامه حاکمیت شرکتی مصوب بورس تهران، باعث بهبود تأثیر شفافیت گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی در ایران نشده است که این موضوع زنگ هشدار برای سیاست‌گذاران سازمان بورس است و به آن‌ها پیشنهاد می‌گردد تا اثربخشی و کارایی نظام نامه راهبری ایران را مورد بررسی مجدد قرار دهند، چرا که با توجه به نتایج این تحقیق، به نظر می‌رسد ویژگی‌های بیان شده در این نظام نامه نمی‌تواند در بستر خاص فرهنگی و اقتصادی ایران، باعث بهبود تأثیر کیفیت و شفافیت گزارش‌های مالی شرکت‌ها بر اجتناب مالیاتی آن‌ها گردد.

(۲) با توجه به نتایج پژوهش مبنی بر تأثیر سطح مالکیت نهادی و شفافیت گزارشگری مالی بر اجتناب مالیاتی شرکت‌ها، پیشنهاد می‌گردد سازمان بورس، ممیزین مالیاتی و حساب‌رسان در رسیدگی‌های خود به این عوامل توجه لازم را داشته باشند.

(۳) همچنین پیشنهاد می‌شود نهادهای قانون‌گذار، قوانینی را تصویب کنند که مدیران شرکت‌ها را ملزم کند تا رویه‌ها و ارقام مالیاتی خود را به صورت شفاف‌تری افشاء کنند. علاوه بر این، قوانین مالیاتی که امکان کاهش مالیات یا گریز از مالیات را برای مودی فراهم می‌سازند شناسایی، بررسی و نسبت به آن‌ها تجدید نظر شود.

(۴) عواملی متعدد دیگری بر استراتژی مالیاتی شرکت‌ها تأثیرگذار است که بررسی همه این عوامل در یک پژوهش امکان‌پذیر نیست؛ از جمله انگیزه‌های مدیریتی، نفوذ مدیرعامل، ساختار سرمایه و حساب‌رسان مستقل.

۱- دانشیار حسابداری دانشگاه فردوسی مشهد، مشهد، ایران، (نویسنده مسئول و مسئول مکاتبات) Abbas33@um.ac.ir

۲- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. Mortezafadaei91@gmail.com

۳- کارشناس ارشد حسابداری دانشگاه آزاد اسلامی، مشهد، ایران. M.Maftounain@yahoo.com

۴- کارشناس ارشد مدیریت بازرگانی دانشگاه آزاد اسلامی، بابل، ایران. Babaei_Ma@yahoo.com

Dharmapal & Desai [\[i\]](#)

Heitzman & Hanlon [\[ii\]](#)

World Com [\[iii\]](#)

Enron [\[iv\]](#)

Zirax [\[v\]](#)

Parmalat [\[vi\]](#)

Van Breda & Hendriksen [\[vii\]](#)

Kaufmann & Vishwanath [\[viii\]](#)

Damodaran [\[ix\]](#)

Vishny & Shleifer [\[x\]](#)

Bushee [\[xi\]](#)

Stubben & McNichols [\[xii\]](#)

Atwood et al [\[xiii\]](#)

Allingham et al .	.xiv
Meckling & Jensen .	.xv
Tucker& Graham .	.xvi
Tax Sheltering .	.xvii
Balakrishnan .	.xviii
Smith & Bushman .	.xix
Aksu .	.xx
Standard and Poors .	.xxi
Brown et al .	.xxii
Nielsen et al .	.xxiii
Hilary & Biddle .	.xxiv
Lander .	.xxv
Moser & Khuruna .	.xxvi
Joy .	.xxvii
Zhang & Kim .	.xxviii
Yu et al .	.xxix
Watts & Khan .	.xxx
Armstrong et al .	.xxxi
Badertscher et al .	.xxxii
Chen et al .	.xxxiii
Ellul et al .	.xxxiv
Effective Tax Rate .	.xxxv
Book-Tax Differences .	.xxxvi

paulzarowin & Gelb. [\[xxxvii\]](#)

Barth et al. [\[xxxviii\]](#)

Salamon et al. [\[xxxix\]](#)

McGee & Stickney. [\[xl\]](#)

Newberry & Gupta. [\[xli\]](#)

Wu et al. [\[xlii\]](#)

Spooner. [\[xliii\]](#)

Lanis & Richardson. [\[xliv\]](#)

Richardson & Taylor. [\[xlv\]](#)

Pooling. [\[xlvi\]](#)

Panel. [\[xlvii\]](#)

Hausman. [\[xlviii\]](#)

Index of Confidence. [\[xlix\]](#)

Frank et al. [\[l\]](#)

مراجع

۱) باباجانی، جعفر؛ عبدی، مجید. (۱۳۸۹). رابطه حاکمیت شرکتی و سود مشمول مالیات شرکت ها. پژوهش های تجربی حسابداری مالی، سال دوم، شماره ۳، ۶۵-۸۶.

۲) پورحیدری، امید؛ امینی نیا، میثم؛ فدوی، محمد حسن. (۱۳۹۳). بررسی تاثیر اجتناب از پرداخت مالیات بر هزینه سرمایه سهام عادی، با لحاظ فرصت های رشد و مالکیت نهادی. فصل نامه برنامه ریزی و بودجه، سال نوزدهم، شماره ۳، ۱۹۰-۱۷۳.

۳) جهرومی، مهتاب. (۱۳۹۱). شفافیت شرکت ها و اجتناب از مالیات. رساله جهت اخذ درجه کارشناسی ارشد حسابداری، دانشکده مدیریت دانشگاه تهران.

۴) حساس یگانه، یحیی؛ باغومیان، رافیک. (۱۳۸۵). نقش هیئت مدیره در حاکمیت شرکتی. ماهنامه حسابداری، سال بیستم، شماره ۶، ۳۳-۳۰.

۵) خدایی، ابراهیم. (۱۳۸۸). رگرسیون خطی فازی و کاربردهای آن در پژوهش های علوم اجتماعی. مجله مطالعات اجتماعی ایران، شماره ۴، دوره سوم، ۹۸-۸۲.

- ۶) رضایی، فنادی نژاد. (۱۳۹۱). بررسی رابطه شفافیت در گزارشگری مالی و اجتناب مالیاتی با ارزش شرکت ها. پایان نامه کارشناسی ارشد حسابداری، مرکز آموزش عالی کار، واحد قزوین.
- ۷) سینایی، حسنعلی؛ داودی، عبدالله. (۱۳۸۸). بررسی رابطه شفافسازی اطلاعات مالی و رفتار سرمایه گذاران در بورس اوراق بهادار تهران. تحقیقات مالی، دوره ۱۱، شماره ۲۷، ۴۳-۶۰.
- ۸) عرب مازار، علی اکبر؛ طالب نیا، قدرت اله؛ وکیلی فرد، حمیدرضا؛ صمدی لردگانی، محمود. (۱۳۹۰). تبیین ارتباط بین شفافیت گزارشگری مالی با گزارشگری مالیاتی در ایران. تحقیقات حسابداری و حسابرسی، سال سوم، شماره ۹، ۲۲-۳۷.
- ۹) قائمی، محمد حسین؛ علوی، سیدمصطفی. (۱۳۹۱). رابطه بین شفافیت اطلاعات حسابداری و موجودی نقد. حسابداری مدیریت، سال پنجم، شماره ۱۲، ۶۷-۷۸.
- ۱۰) محمدی، جهانگرد؛ طاهری، سید محمود. (۱۳۸۴). برآزش توابع انتقالی خاک با استفاده از رگرسیون فازی. علوم و فنون کشاورزی و منابع طبیعی، سال نهم، شماره ۲، ۶۰-۵۱.
- ۱۱) مرادی، مهدی؛ باقرپور و لاشانی، محمدعلی، رستمی، امین. (۱۳۹۵). ارتباط بین گریز مالیاتی و ریسک سقوط آتی قیمت سهام در شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. دانش سرمایه گذاری، سال پنجم، شماره ۱۷، ۱۲۷-۱۴۶.
- ۱۲) مشایخی، بیتا؛ سیدی، سید جلال. (۱۳۹۴). راهبری شرکتی و اجتناب مالیاتی. دانش حسابداری، سال ششم، شماره ۲۰، ۸۳-۱۰۳.
- ۱۳) مهرآدین، علیرضا؛ مسیح آبادی، ابوالقاسم؛ دهنوی، محمد علی. (۱۳۹۰). شفافیت اطلاعات مالی و محتوای اطلاعاتی سود. دانش حسابداری، سال دوم، شماره ۸، ۱۳۰-۱۱۳.
- ۱۴) نوبخت، زهرا. (۱۳۸۵). ارزیابی شفافیت اطلاعات شرکت ها در بورس اوراق بهادار تهران. ماهنامه بورس، شماره ۵۴ و ۵۵.
- ۱۵) نوروش، ایرج؛ ابراهیمی کردلر، علی. (۱۳۸۴). بررسی و تبیین رابطه ترکیب سهامداران با تقارن اطلاعات سودمندی معیارهای حسابداری عملکرد. بررسی حسابداری و حسابرسی، شماره ۴۲، ۹۷-۱۲۴.
- ۱۶) همت فر، محمود؛ مقدسی، منصور. (۱۳۹۲). بررسی کیفیت افشا (قابلیت اتکا و به موقع بودن) بر ارزش سهام شرکت های پذیرفته شده در بورس اوراق بهادار تهران. بررسی های حسابداری و حسابرسی، سال بیستم، شماره ۲، ۱۴۷-۱۳۳.

17) Adhikari, A., Derashid, C. and Zhang, H. (2006). Public Policy, Political Connections, and Effective Tax Rates: Longitudinal Evidence from Malaysia. *Journal of Accounting and Public Policy*, 25(5), 574–595.

18) Allingham, Michael G. and A. Sandmo. (1972). Income Tax Evasion: A Theoretical Analysis. *Journal of Public Economics*, 1(3-4), 323-338.

- 19) Aksu, M. (2006). Transparency & Disclosure in the Istanbul Stock Exchange: Did IFRS Adoption and Corporate Governance Principles Make a Difference. *Social Responsibility*, 4(3), 407-421.
- 20) Armstrong, S.C., Blouin, L.J. & Larker, F.D. (2012). The Incentives for Tax Planning. *Journal of Accounting and Economics*. 53.
- 21) Armstrong, Christopher S., Blouin, Jennifer L., Jagolinzer, Alan D., Larcher, David F. (2015). Corporate Governance, Incentives, and Tax Avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, vol 60(1), 1-17.
- 22) Atwood, T. M. Drake, L. Myers, and Bushman, R. M., and A. J. Smith. (2010). Book-tax Conformity, Earnings Persistence and the Association between Earnings and Future Cash Flows. *Journal of Accounting and Economics* 50(1), 111-125.
- 23) Badertscher, B. and Katz, S. Rego, S. (2013). The separation of ownership and control and corporate tax avoidance. *Journal of Accounting and Economics*, 56, 228-250.
- 24) Balakrishnan, K., Blouin, J., &Guay, W. (2011). Does Tax Aggressiveness Reduce Financial Reporting Transparency? Available at SSRN 1792783.
- 25) Barth, M.E., Konchitchki, Y, & W.R. Landsman. (2013). Cost Of Capital and Earnings Transparency. *Journal of Accounting and Economics*, 55(2-3), 206-224.
- 26) Biddle, G. C., G. Hilary. (2006). Accounting Quality and Firm-level Capital Investment. *The Accounting Review*, vol. 81(5), 963-982.
- 27) Brown, S., S. A. Hillegeist And K. Lo. (2009). the Effect of Earnings Surprises on Information Asymmetry. *Journal of Accounting and Economics* 47(3), 208-225.
- 28) Bushee, B. (2001). Do institutional investors prefer near-term earnings over long-run value?. *Contemporary Accounting Research*, 18(4), 207-246.
- 29) Bushman, R., Smith, A. (2001). Financial Accounting Information and Corporate Governance. *Journal of Accounting and Economics*, 32(1-3), 237-333.
- 30) Chan, K. H., Mo, P. L., & Zhou, A. Y. (2013). Government Ownership, Corporate Governance and Tax Aggressiveness: Evidence from China. *Accounting & Finance*, 53(4), 1029-1051.
- 31) Chyz, J.A., Ching Leung, W.S., Zhen Li, O. & Meng Rui, O. (2013) Labor Unions and Tax Aggressiveness. *Journal of Financial Economics*, 108(3), 675-698
- 32) Chen, X., Hu, N., Wang, X., & Tang, X. (2014). Tax Avoidance and Firm Value: Evidence from China. *Nankai Business Review International*, 5(1), 25-42.

- 33) Damodaran, A; (2002). "Information Transparency and Valuation: Can you value what you cannot see?" Stern School of Business.
- 34) Desai, M. A., and D Dharmapal.) 2006). a. Corporate Tax Avoidance and High-powered Incentives. *Journal of Financial Economics*, 79(1), 145-179
- 35) Desai, M. A., A. Dyck, and L. Zingales. (2007). Theft and Taxes. *Journal of Financial Economics*, 84(3), 591-623.
- 36) Desai, M.A., Dharmapala, D. (2009). Corporate Tax Avoidance and Firm Value. *Review of Economics and Statistics*, 91(3), 537–546.
- 37) Ellul, A., Jappelli, T., Pagano, M., &Panunzi, F. (2012). Transparency, Tax Pressure and Access to Finance. *Review of Finance*, 20(1), 37-76.
- 38) Frank, M.M., Lynch, L & Rego, S. (2009). Tax Reporting Aggressiveness and its Relation to Aggressive Financial Reporting. *The Accounting Review*, 84, 467-496.
- 39) Gelb, D.S., paulzarowin. (2002). Corporate Disclosure Policy and the Informativeness of Stock Price. *Review of Accounting studies*, vol 7(1), 33-53.
- 40) Graham, J., Tucker, A. (2006). Tax Shelters and Corporate Debt Policy. *Journal of Financial Economics*, 81(3), 563–594.
- 41) Gupta, S., and K. Newberry. (1997). Determinants of the Variability in Corporate Effective Tax Rates: Evidence from Longitudinal Data. *Journal of Accounting and Public Policy*, 16(1), 1-34.
- 42) Hanlon, M., and S. Heitzman. (2010). A Review of Tax Research. *Journal of Accounting and Economics*, 50(2- 3), 127–178.
- 43) Hendriksen, E.S., Van Breda, M.F. (1992). *Accounting Theory*. 5thedition, United States of America: IRWIN.Inc.
- 44) Heshmati, B. & A. Kandel. (1985). Fuzzy Linear Regression and its Applications to Forecasting in Uncertain Environment. *Fuzzy Set and Systems*, 15(2), 159-191.
- 45) Joy, E. (2012). The Influence of Institutional Investment on Tax Aggressiveness. *Ssrn.com*.
- 46) Jensen, M., Meckling, W. (1976). Theory of the Firm: Managerial Behavior, Agency Costs and Ownership Structure. *Journal of Financial Economics*, 3(4), 305–360.
- 47) Khuruna, k, and Moser W. (2009). Institutional Ownership and Tax Aggressiveness. Working Paper. University of Missouri at Columbia. [Online]. www.ssrn.com.

- 48) Khan, M., & Watts, R. L. (2009). Estimation and empirical properties of a firm-year measure of accounting conservatism. *Journal of Accounting and Economics*, 48 (2–3), 132–150.
- 49) Kim, J., Li, Y. Zhang, L., (2011). Corporate Tax Avoidance and Stock Price Crash Risk: Firm Level Analysis. *Journal of Financial Economics*, 100, 639-662.
- 50) Lander, H Gerald. Kathleen A. Auger. (2008). the Need for Transparency in Financial Reporting. *Journal of Accounting & Organizational Change*, 4(1), 27-46.
- 51) Lin, Y, .S. Huang, Y. F. Chang and Tseng, C.H. (2007). The Relationship between Information Transparency and Informativeness of Accounting Earnings. *The journal of applied business research*, 23(3), 23-32.
- 52) McNichols M. and S. Stubben. (2008). Does Earnings Management Affect Firms' Investment Decisions? *The Accounting Review*, 83(6), 1571-1603.
- 53) Nielsen, Christian. Modsen, Mona Toft. (2009). Discourses Of Transparency In The Intellectual Capital Reporting Debate Moving From Generic Reporting Models To Management Defined Information. <http://www.ssrn.com>.
- 54) Salamon, Lester M., John J, Siegfried. (1977). Economic Power and Political Influence: The Impact of Industry Structure on Public Policy. *American Political Science Review*, 71(3), 1026-43.
- 55) Scholes, M & Wolfson, M. (1992). *Taxes and Business Strategy: A Planning Approach*. New Jersey: Prentice-Hall, Inc.
- 56) Shapiro, A. (2005). *Fuzzy Regression Model*. Penn state University; page8-11.
- 57) Spooner, G. M. (1986). Effective Tax Rates from Financial Statements. *National Tax Journal*, 39(3), 293–306.
- 58) Shleifer, A., & Vishny, R.W. (1986). Large Shareholders and Corporate Control. *Journal of Political Economy*, 95, 461-488.
- 59) Stickney, C.P., and McGee, V.E. (1982). Effective Corporate Tax Rates: The Effect of Size, Capital Intensity, leverage and other Factors. *Journal of Accounting and Public Policy*, 1(2), 125-152.
- 60) Tanaka, H., S. Uejima and K, Asai. (1982). Linear Regression Analysis with Fuzzy Model. In *IEEE Transactions on Systems, Man, and Cybernet*, 12, 903-907.
- 61) Taylor, G., & Richardson, G. (2013). The Determinants of Thinly Capitalized Tax Avoidance Structures: Evidence from Australian Firms. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22(1), 12-25.

- 62) Richardson, G., R. Lanis. (2007). Determinants of the variability in corporate effective tax rates and tax reform: Evidence from Australia, *Journal of Accounting and Public Policy*, 26 (6), 689-704.
- 63) Vishwanath T., Kaufmann, D. (1999). *Towards Transparency in Finance and Governance*. The World Bank, Draft.
- 64) Watts, R. and Zimmerman, J. L. (1986). *Positive Accounting Theory*. United States of America: Prentice-Hall Inc.
- 65) Wu, W., Rui, O. M., & Wu, C. (2013). Institutional Environment, Ownership and Firm Taxation. *Economics of Transition*, 21(1), 17-51.
- 66) Yu, Z., L. Li, G. Tian, H. Zhang. (2013). Aggressive reporting, investor protection and stock price informativeness: evidence from Chinese firms. *Journal of International Accounting, Auditing and Taxation*, 22(2), 71-85